

ارزیابی سیاست جنایی تقنینی بین‌المللی در تعقیب تروریسم با توسل به صلاحیت جهانی

حجت‌الله سبزواری نژاد* و پیمان نامامیان**

چکیده

تروریسم از مستمرترین تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی بوده است که موجب شده تا روند ایجاد، توسعه و نفوذ در روابط بین‌المللی، نسبت به تلاش‌ها و همکاری‌های دولت‌ها در مقابله با آن سفت‌گیرد. آنچه امروز نظام جهانی را با مخاطرات و ناامنی مواجه ساخته است، عدم اجماع دولت‌ها با اتخاذ سیاست‌های دوگانه در مبارزه با تروریسم و به تبع آن حمایت از نقض صلح و امنیت بین‌المللی در ابعاد خرد و کلان می‌باشد. با وجود این، نیاز آشکاری به چهارچوب‌های مستحکم حقوق داخلی و بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم در همه اشکال و مظاهر، از جمله تروریسم داخلی که برآورد حدود نود درصد از حمله‌های تروریستی در جهان را شکل می‌دهد، هم‌چنان به قوت خود باقی است. از این رو، مهم‌ترین اقدام در جهت مواجهه با تروریسم، اجرای صحیح موازین، مقررات و به طور ویژه معاهدات بین‌المللی است که باید در سطوح ملی و بین‌المللی مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد. بر این اساس، برای مواجهه با تروریسم، توسعه صلاحیت قضایی در ابعاد متنوع سطوح ملی و بین‌المللی، حائز اهمیت فراوانی است. البته در این باره و با توجه به پیچیدگی ماهیت تروریسم، نباید از اعمال صلاحیت جهانی غافل بود؛ زیرا اقدامات تروریستی اغلب در موقعیت‌ها، زمان‌ها و نیز در مکان‌های گوناگون به وقوع می‌پیوندد.

واژگان کلیدی: تروریسم، دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون‌های ضد تروریسم، صلاحیت جهانی، جرم‌انگاری بین‌المللی، سیاست جنایی بین‌المللی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

* استادیار حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

(hojat.sabzevarinejad@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر حقوق بین‌المللی کیفری /

نویسنده مسئول (p_namamian1512@yahoo.com)

مقدمه

خشونت و افراط‌گرایی سیاسی به مثابه یکی از مسائل اصلی در حوزه زندگی جمعی انسان‌هاست. پدیده‌هایی همچون آشوب، تظاهرات، طغیان اجتماعی، خشونت سیاسی، انقلاب، کودتا و... در عرصه داخلی و نیز گسترش افراط‌گرایی، نژادپرستی، نسل‌کشی و به ویژه تروریسم در عرصه بین‌المللی موجی از نگرانی و وحشت در میان دولت‌ها ایجاد کرده است (ر.ک: نظری، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲-۲۰۴).

بر این اساس، از جمله موضوعاتی که به عنوان «معضل بین‌المللی» و «فراگیر» در مجامع حقوقی - سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و در سطح افکار عمومی نیز از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده، «تروریسم» است. به طور کلی عنوان خاص «تروریسم» و گمانه‌زنی‌هایی که درباره آن صورت می‌گیرد، خاستگاه سیاسی دارد؛ مفهومی که حکایت از برهم‌زدن آرامش و امنیت عمومی داشته، قربانیان آن هرچند ناخواسته، بی‌گناهی‌اند که رنج و آلام آنها بسیار دل‌آزار است؛ از این رو، در سطح جهانی بسیار منفور می‌نماید. از سوی دیگر، نظر به واقعیت حاکم بر تحولات بین‌المللی، تحقیقات جهت‌گیری کلی نظام بین‌المللی در جهت مساعی و تلاش‌های به عمل آمده به منظور مفهوم‌سازی و تعریف این پدیده پیچیده و چندبعدی، ظهور و بروز سیاسی آشکار است. از این رهگذر، گرچه تعریف جامع و مانعی از تروریسم به دست نیامده است؛ ولی ارائه تعریف «اقدام سازماندهی شده ارباب‌آور بدون تمایز که نتیجه‌ای جز قربانی کردن افراد بی‌گناه ندارد»، کمترین اجماعی است که در این باره حاصل شده است.

با وجود این، در دو دهه اخیر، تروریسم به مثابه پدیده‌ای مجرمانه با رشد فزاینده همراه بوده است؛ ولی به رغم همه سعی جامعه بین‌المللی در شناسایی و مبارزه با آن، تاکنون موفقیتی در این باره حاصل نشده است و این جرم به گونه‌ای شدید، خطرناک و با توسل به شیوه‌های مدرن در حال تکرار است؛ زیرا امروزه گروه‌های تروریستی با استفاده از تجهیزات و فناوری روز توانسته‌اند تقریباً در هر منطقه و مکانی که اراده کنند، اقدامات خود را سازماندهی کرده، به اجرا درآورند، حال آنکه به رغم موفقیت تروریست‌ها در جهت تطبیق خود با روند جهانی شدن،

تلاش‌های جوامع برای مقابله با اعمال تروریستی همچنان بخشی و ملی مانده است. شاید علت این امر را می‌توان از یک سو، در عدم توافق جمعی در سطح جامعه جهانی درباره تعریف و مصادیق این جرم دانست که نمونه آشکار آن، اختلافات گسترده دولت‌ها در تدوین اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری راجع به تروریسم در سال ۱۹۹۹م اشاره کرد و از سوی دیگر، در عدم توجه مناسب و مؤثر به این پدیده مجرمانه در حقوق داخلی دولت‌ها دانست؛ زیرا به ندرت می‌توان در مقررات داخلی دولت‌ها این جرم را به صورت عنوانی مستقل کیفری یافت.

با وجود این، در نتیجه فرایند جهانی‌سازی و گسترش فناوری‌های نوین، تغییرهای قابل توجهی در ماهیت و میزان جرایم بین‌المللی ایجاد شد؛ به عنوان نمونه، اوایل قرن بیست و یکم تهدیدهای جهانی نوین پدیدار شد. حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م به ایالات متحده آمریکا، چالش تروریسم بین‌المللی را آشکارا نشان داد. از این رو، حوادث تروریستی مزبور، چالش‌ها و مذاکرات بسیاری را در ارتباط میان تروریسم و حقوق بین‌الملل کیفری ایجاد کرد (ر.ک: نمایان، ۱۳۹۱، ص ۸۶۸۳).

افزون بر این، وقوع حوادث تروریستی در مراکز مهم شهری و پرتردد همانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م در نیویورک، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲م در بالی، ۱۱ مارس ۲۰۰۴م در قطار مادرید، ۷ جولای ۲۰۰۵م در لندن، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹م در مسکو، ۲۹ مارس ۲۰۱۰م در قطار مسکو - سنت پترزبورگ، ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۱م در اسلو و ۷ ژانویه ۲۰۱۵م در محل دفتر هفته‌نامه مجله شارلی ابدو در پاریس، خود مؤید نقض فاحش و روزافزون قواعد و اصول بنیادین حقوق بین‌المللی‌اند. از این رو، می‌توان حوادث و اقدامات مزبور را به مثابه ظهور شاخه‌ای جدید از تروریسم، موسوم به «تروریسم صادراتی»^۱ تلقی کرد (نمایان، الف، ۱۳۹۰، ص ۶۰).

با وجود این، مسئله ذاتاً چالش برانگیز آن است که «آیا تروریسم جرم بین‌المللی است یا جرم فراملی؟» و «آیا تعقیب تروریست و تروریسم، باید تابع صلاحیت قضایی

۱. نمونه این نوع تروریسم، موسوم به تروریسم صادراتی (*Exporting Terrorism*) را می‌توان در ایجاد گروه داعش یافت که متأسفانه دولت‌های غربی با حمایت‌های نامشروع و غیرقانونی خود از جنایت‌های ضدبشری آن، زمینه ایجاد نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم کرده‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۹۳، ص ۵۸۵۵).

دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و ملی قرار گیرند؟». هرچند کسانی هستند که تصور می‌کنند تروریسم باید در قلمرو صلاحیت جهانی قرار گیرد؛ ولی عده‌ای از پژوهشگران (Norberg, 2010, p.159-162) اذعان دارند هرچند وضعیت اضطراری بین‌المللی ناشی از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م به قانونگذاری بین‌المللی جرایم ارتكابی در قلمرو سرزمینی منجر شده است؛ اما اقدامات تروریستی واجد شرایط صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی نیست؛ زیرا مبانی و مؤلفه‌های چنین اقداماتی، تاکنون در چهارچوب علم سیاست تعریف نشده‌اند (ر.ک: می و هاسکینز، ۱۳۹۳، ص ۲۸۳-۲۸۵).^۱

دیوان کیفری بین‌المللی به منظور نیل به اهداف پیشگیری و ادای عدالت در حق بزه‌دیدگان تحت فشار شدیدی قرار خواهد گرفت و امکان دارد در تلاش برای انجام این کار، بعضی کشورها با ایجاد موانعی برای سرکوب حقوق بنیادین به نام مبارزه با مسئله که ظاهراً جرمی از جرایم قرن بیست‌ویکم شده است، به تهدیدات تروریستی داخلی و خارجی واکنش نشان دهند (Proulx, 2004, p.35-38).

براساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها تکلیف دارند تا نسبت به پیشگیری و سرکوب جنایات بین‌المللی و نیز تعقیب و مجازات عاملان ارتكاب جنایات مزبور، اقدامات تقنینی و دیگر همکاری‌های حقوقی لازم را به کار گیرند، در غیر این صورت به دلیل قصور و عدم مراقبت لازم، نسبت به ارتكاب جرایم در قلمرو سرزمینی خود مسئولیت دارند (سیسیلیا، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶-۲۳۷).

با وجود این، آنچه در رأس سیاست‌های کیفری در سطح بین‌المللی به منظور مقابله با تروریسم قرار گرفته است، همکاری و وحدت هنجارها و موازین قانونی و ابزارهای اجرایی آن می‌باشد. این همکاری و وحدت، زمینه ایجاد سیاستی جامع را با عنوان «رضایت

۱. این مسئله در حالی است که تروریسم، حجم بالایی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های ملت‌ها و مسئولان کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی را به خود اختصاص داده است. امروزه تلاش‌های گسترده‌ای برای تحریف و مترادف‌سازی واژه «تروریسم» با اسلام، در سطح جهان در حال انجام است، در حالی که به شهادت تاریخ، اسلام به ویژه با قرائت تشیع، بزرگ‌ترین قربانی تروریسم بوده و امامان خود را در این راه از دست داده است (جعفرپور و نمایان، ۱۳۹۳، ص ۷۲-۷۳).

اجباری» (*Forced Consent*) فراهم می‌سازد؛^۱ چنان‌که موضوعاتی همچون امنیت، ثبات و خشونت، در رأس دیگر موضوعات قرار می‌گیرند. سیاست رضایت اجباری، آشکارا از سوی قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، مورد تشویق قرار گرفته است، تا آنجا که می‌توان به راحتی میان سیاست‌های تروریسم در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی و سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، ارتباط برقرار کرد (معظمی و نمامیان، ۱۳۹۳، ص ۲۹۰-۲۹۱).

۱. وضعیت جنایت‌های بین‌المللی

ممنوعیت ارتکاب رفتار مجرمانه، به طور عادی در زمره صلاحیت قضایی ملی قرار دارد که این امر باعث پیشگیری از اشاعه جنایت‌های عادی یا اشاعه جنایت‌های بین‌المللی است. براساس حقوق بین‌الملل، در مواردی ارتکاب فعلی جنایت شناخته می‌شود که شدت آن توجه و نگرانی بین‌المللی را برانگیزد (نمامیان، الف، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲-۱۴۳). دادگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در نورمبرگ درباره گروگان‌ها چنین اظهار داشت:

جنایت بین‌المللی رفتاری است که به مثابه یک فعل مجرمانه مورد تأیید جهانیان بوده و چنان مسأله حادی به شمار می‌آید که مورد اهتمام جامعه بین‌المللی است و به دلایل معتبر، رسیدگی به آن نباید در صلاحیت انحصاری دولتی قرار گیرد که در شرایط عادی از این حق برخوردار است.^۲

به طور اساسی تعیین اعمالی که در گستره تعریف یادشده قرار می‌گیرد، از سوی جامعه بین‌المللی و در پرتو آخرین رخدادهای موجود در حوزه حقوق، اخلاق و عدالت کیفری در اعصار گوناگون صورت می‌پذیرد. با وجود این، عمل مجرمانه زمانی موجبات برانگیختن نگرانی بین‌المللی را فراهم می‌نماید که ضمن وجود اثرات فرامرزی، تهدیدی علیه صلح، امنیت و رفاه جهانی بوده، به نقض حقوق طبیعی یا اخلاقی منجر گردد (Lauterpacht, 1955, p.753 / Bassiouni, 1992).

۱. Sake, F., "Jugendgewalt- Schliissel zur pathologie der Gesellschaft?", in: Programmleitung NFP 40 (Eds.): Gewalttätige Jugend- ein Mythos?, Bulletin Bern: SFN, 1999, Nr.4, p.10.

۲. Re List and Others, US Military Tribunal at Nuremberg, 19 Feb 1948 (1953), 15 Ann Dig 632, 636.

(47-46.p. از این رو، حقوق بین‌الملل کیفری به دنبال صیانت از ارزش‌های مشترکی است که از سوی جامعه بین‌المللی مورد اهتمام تلقی می‌شوند (Bassiouni, 1988, p.27-28).

امروزه نقض حقوق بشر، آن هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز حقوق بنیادین بشر، جنایت ضدبشری و علیه صلح و امنیت بشری محسوب می‌شود. این جنایات، اقداماتی خشونت‌آمیز است که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته این گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخصی را زیر پا نهاده، به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود (کوشا و نمامیان، الف، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸).

با این اوصاف، هرچند لازمه جنایت‌های بین‌المللی، وجود یک عنصر بین‌المللی است؛ ولی این امر بدین معنا نیست که فعل مجرمانه باید به طور فیزیکی یا مادی از مرزهای ملی عبور کند. بر همین اساس، جنایت‌هایی همچون نسل‌کشی، جنایت‌های جنگی و جنایت‌های ضدبشری می‌توانند به طور کامل در حوزه قضایی ملی ارتکاب یابند. این جنایت‌ها اغلب به علت گستردگی یا خطرناک بودن، عمل یا سیاست دولت را درگیر می‌کنند. افزون بر این، رفتار مجرمانه نباید جنبه‌ای از صلح و امنیت را تهدید کند تا جنایتی بین‌المللی قلمداد شود و همچنین، ارتکاب چنین رفتاری باعث نقض ارزش‌های اخلاقی بین‌المللی نیز می‌شود؛ بنابراین در صورت نقض ارزش‌ها و هنجارها و نیز ورود خسارت به منافع از راه ارتکاب اقدام تروریستی باید به میزان حقوق بین‌المللی، حقوق داخلی نیز جرم‌انگاری شود (ر.ک: حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶، ص ۶۴-۶۸).

۲. سیاست جنایی تقنینی بین‌المللی؛ نگرش کنوانسیون‌های ضدتروریسم در محتوا، چهارچوب و تعهدات

«کنوانسیون راجع به جرایم و دیگر اعمال ارتكابی در داخل هواپیما» که در سال ۱۹۶۳م در توکیو پذیرفته شد، نخستین معاهده بین‌المللی ضدتروریسم شناخته شده است. پنج معاهده دیگر در دهه هفتاد پذیرفته شدند که عبارت‌اند از: «کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما»، «کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد

ایمنی هواپیمایی کشوری»، «کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک»،^۱ «کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری» و «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای».

سه معاهده در سال ۱۹۸۸م پذیرفته شده است که عبارت‌اند از: «کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی»، «پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره» و «پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری» الحاقی به کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری. دهه ۹۰ شاید پذیرش «کنوانسیون بین‌المللی نشانه‌گذاری مواد منفجره پلاستیکی به منظور ردیابی بعدی»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی» و «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم» بود. جدیدترین الحاقی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای است که در سیزدهم آوریل ۲۰۰۵م به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید (ر.ک: گلدوزیان و

۱. این کنوانسیون از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳م در نیویورک به تصویب رسید و در ۲۰ فوریه ۱۹۷۷م لازم‌الاجرا گردید و تا ۲۷ آوریل ۲۰۰۶م، ۱۶۳ کشور به عضویت این کنوانسیون درآمده‌اند. درباره چگونگی تهیه و تنظیم این کنوانسیون باید گفت در سال ۱۹۷۱م، نمایندگی هلند در سازمان ملل متحد به دلیل گسترش تروریسم و در واکنش به اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولتمردان - به ویژه دیپلمات‌ها و اشخاص مورد حمایت بین‌المللی در نقاط گوناگون جهان - به رئیس شورای امنیت پیشنهاد داد مانحن‌فیه تحت بررسی قرار گیرد. با این توصیف، به دنبال بررسی‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، موضوعاتی درباره دیپلماتیک در چهارچوب سازوکارهای حقوقی سازمان ملل متحد طرح شد که به تدوین و تصویب کنوانسیون‌های روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) و روابط کنسولی (۱۹۶۳) وین منجر گردید (ر.ک: تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۶، ص ۴۸-۲۷ / میرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶-۱۳۸). متعاقب این تلاش‌ها، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۲۲۸۰ مورخ ۳ دسامبر ۱۹۷۱ خود، از کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره مسئله حفاظت از هیئت دیپلماتیک، درخواست مطالعه و بررسی می‌کند. به دنبال تهیه طرح کنوانسیون دربارۀ جلوگیری و مجازات علیه افراد دارای مصونیت بین‌المللی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اجماع کامل در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳م با تصویب دولت‌ها، قدرت اجرایی یافت. این کنوانسیون یک مقدمه و ۲۰ ماده دارد که برای حفظ امنیت دیپلمات‌ها و مقامات عالی‌رتبه دولتی به تصویب رسیده است (ر.ک: معظمی و نامیان، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸-۲۲۳).

نمامیان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۴-۱۷۵ / عسگرخانی و نمامیان و کیبری، ۱۳۹۲، ص ۱۶-۲۴). این معاهده‌ها حدوداً پنجاه جرم را تعریف می‌کنند که عبارت‌اند از: ده جرم علیه ایمنی هواپیمایی کشوری، شانزده جرم علیه کشتیرانی یا سکوهای مستقر در فلات قاره، دوازده جرم علیه اشخاص، هفت جرم مشتمل بر استفاده، مالکیت یا تهدید به استفاده از بمب یا مواد هسته‌ای و دو جرم درباره تأمین مالی تروریسم. گرایشی وجود دارد تا این معاهدات به منزله تثبیت‌کننده نوعی مجموعه قوانین رو به تکامل از نظر جرایم تروریستی شناخته شوند. مهم‌ترین شاهد این روند و گرایش، کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۹م راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم است که مقرر می‌دارد:

اهدای کمک مالی یا جمع‌آوری کمک مالی با این قصد که باید به طور کامل یا نسبی در موارد زیر مصرف بشوند یا با آگاهی از اینکه در موارد زیر مصرف خواهند شد، جرم محسوب می‌شود:
الف) عملی که یک جرم را در چهارچوب معاهدات و به صورتی که در معاهدات فهرست‌شده در پیوست تعریف‌شده، شکل بدهد.^۱

وظیفه دولت‌های عضو کنوانسیون از نظر جرم تأمین مالی فعالیت‌های تعریف‌شده در معاهدات فهرستی، در پیوست جدا از تصویب آنهاست. البته این موضوع به دولت‌هایی که طرف یکی از معاهدات یا چند معاهده فهرست‌شده نیستند، اجازه می‌دهد تا اقداماتی را به عمل آورند که چهارچوب تعهدات‌شان به موجب کنوانسیون ۱۹۹۹ را از نظر تأمین مالی فعالیت‌هایی محدود می‌کند که به وسیله هر معاهده تصویب نشده، ممنوع شده‌اند.^۲

در سال ۲۰۰۲م سازمان کشورهای امریکایی یک معاهده ثانوی علیه تروریسم را پذیرفت که از همان رویکرد استفاده می‌کند. کنوانسیون امریکایی ضد تروریسم، مجموعه‌ای از تعهدات را برای دولت‌های عضو از نظر جرایم تعریف‌شده در ده معاهده مقرر می‌دارد: کنوانسیون ۱۹۹۹م سرکوب تأمین مالی تروریسم و نه معاهده بین‌المللی

۱. Article 2 (1) (b) Contains a General Provision Concerning other Terrorist Acts, Below.

۲. Article 2 (2).

فهرست شده در پیوست آن.^۱ کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم ۱۹۷۷م اصلاحی توسط پروتکل سال ۲۰۰۳م، ضمن به‌کارگیری رویکردی مشابه، مجموعه‌ای از تعهدات را مرتبط با اقدامات تروریستی مندرج در ده معاهده بین‌المللی مقرر می‌دارد. قطعنامه ۱۵۶۶م شورای امنیت سازمان ملل نیز ایده مزبور را ذیل حمایت قرار داده است که جرایم مقرر در معاهدات بین‌المللی موجود، بخشی از مجموعه قوانین مربوط به جرایم تروریستی را تشکیل می‌دهند.^۲

تعهد اصلی مقرر در معاهدات بین‌المللی ضدتروریسم، گنجاندن جرایم مقرر در معاهده مورد نظر حقوق کیفری داخلی و مجازات‌پذیرکردن آنها به وسیله احکامی است که شدت جرم را منعکس می‌کنند. دولت‌های عضو معاهدات مزبور نیز توافق کرده‌اند در ایجاد «صلاحیت قضایی جهانی» در مورد این جرایم مشارکت داشته باشند؛^۳ یعنی

۱. Article 2 (1). (Article 2 (2), like Article 2(2) of the Convention Against the Financing of Terrorism, Allows Reservations with Regard to the Crimes Defined in Ungratified Treaties).

۲. Operative Paragraph 2.

۳. به طور یقین، واژه «صلاحیت جهانی» به حکم یا اصلی از حقوق بین‌الملل اشاره دارد که حق محاکمه کردن متهمان را به دلیل ارتکاب جرایمی که به طور جهانی تقبیح شده‌اند - به گونه‌ای که مرتکبان چنین اعمالی دشمن تمام مردم پنداشته‌اند - به هر دولتی اعطا می‌کند که آنها را در بازداشت نگه داشته است. بنا بر تمام اهداف عملی، صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض متهم در قلمرو سرزمینی یک دولت وقتی به دلایل سنتی تر برای صلاحیت قضایی افزوده شود، معادل عملی صلاحیت جهانی خواهد بود. گرایشی - مخصوصاً به سهم عملگرایان - وجود دارد تا از این واژه به طور وسیع‌تر برای اشاره به نظام حقوقی استفاده کنند که همه دولت‌های عضو یک معاهده را که مقررات ملزم‌کننده برای تثبیت صلاحیت قضایی برون‌مرزی در مورد جرایم خاص دارد، ملزم می‌سازد تا علاوه بر آن، حکم «یا محاکمه یا استرداد» را جزئی از این مفهوم بدانند. سه مورد از قدیمی‌ترین معاهدات ضدتروریسم برای یکصد و هشتاد کشور یا بیشتر آنها و چهار مورد از جمله کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم برای دست‌کم یکصد و پنجاه کشور اجرایی‌اند. تقریباً تصویب جهانی قدیمی‌ترین معاهدات از این مسئله حکایت دارد که در حال حاضر قضاوت جهانی دست‌کم برای جرایم تروریستی تعیین‌شده در آن وجود دارد. اینکه ادله کافی برای مدعی شدن صلاحیت جهانی می‌توانند در مورد چند جرم تعریف‌شده در معاهدات دیگر هم وجود داشته باشند یا خیر، خارج از حیطه این مقاله است؛ ولی روشن است که انگیزه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس این معاهدات، ترسیم صلاحیت جهانی از راه روند تصویب و الحاق است؛ روندی که در

به‌کارگیری اقدامات لازم برای دادن صلاحیت قضاوت بسیار گسترده به محاکم درباره جرایم مورد بحث، صلاحیت قضایی مبتنی بر درون‌مرزی بودن، صلاحیت قضایی مبتنی بر ملیت مجرم و قربانیان و - طبق بیشتر معاهدات - صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض فرد مظنون در قلمرو کشور را شامل می‌شود. علاوه بر این، آنها تعهد نسبت به استرداد هر مجرم فراری مظنون را که در خاک کشورشان حضور دارد و یا نسبت به شروع جلسه‌های دادرسی کیفری علیه آنها را پذیرفته‌اند (دونل، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲-۱۲۳).

این معاهدات به منظور تسهیل استرداد مجرم به طور تغییرناپذیر تصریح کرده‌اند که جرایم مورد نظر، جرم سیاسی شناخته نخواهند شد؛ زیرا براساس بیشتر معاهدات مربوط به استرداد، جرم سیاسی استردادپذیر نیست. همچنین، این معاهدات انواع گوناگون همکاری در میان دولت‌های عضو را از همکاری در پیشگیری از اعمال تروریستی گرفته تا همکاری در بازجویی و محاکمه جرایم مرتبط، الزامی می‌دانند.

بیشتر معاهدات شامل پیشنهادهایی درباره حفظ حقوق بشر و مصونیت ناشی از آن هستند. این پیشنهادها سه گونه‌اند: «مقررات جامع حاکی از تعهدات مقرر در معاهده که بدون غرض ورزی با دیگر تعهدات بین‌المللی کشور عضوند»، «مقررات مرتبط با حق متهم یا فرد بازداشتی در مورد روند قضایی کارآمد» و «مقررات تعیین‌کننده شرایط استرداد مجرم و انتقال زندانیان».

بندهای مربوط به حق رویه قضایی - که در تعدادی از معاهدات پیشین مقرر شده‌اند - تا اندازه‌ای مبهم‌اند؛ برای مثال، ماده ۹ «کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک»، به سادگی مقرر می‌دارد:

هرکس که در رابطه با هریک از جرایم مقرر در ماده ۲ مورد محاکمه قرار گیرد، از حق رفتار منصفانه در تمام مراحل دادرسی برخوردار خواهد بود.

نهایت می‌تواند این هنجارها و ضوابط را به حقوق عرفی تبدیل کند. فراخوان‌های مکرر شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل برای تصویب این معاهدات، آشکارا مؤید انگیزه ایجاد نظامی حقوقی است که صلاحیت قضایی در مورد همه جرایم مذکور را به همه اعضای جامعه بین‌الملل اعطا کند (دونل، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴).

در کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی، مقررات مشابهی یافت می‌شود.^۱ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، دارای الگوی جامع ذیل‌اند:

هر شخصی که بازداشت‌شده یا اقدامات دیگری در رابطه با او اخذ شده یا دادرسی‌هایی براساس این معاهده (کنوانسیون) در رابطه با او در دست اجرا باشد، از حق تضمین‌شده رفتار منصفانه برخوردار خواهد بود؛ از جمله برخورداری از تمام حقوق و ضمانت‌ها براساس حقوق ملی که آن شخص در قلمرو سرزمینی آن حضور دارد و قواعد کاربردپذیر حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر بین‌المللی (ر.ک: معظمی و نمایان، ۱۳۹۳، ص ۳۸۵-۳۸۷).^۲

بسیاری از این معاهدات، حق بازداشتی فرد خارجی را برای داشتن ارتباط و در بعضی موارد، ملاقات با وکیل یا مشاور حقوقی‌اش به رسمیت می‌شناسند. این حق نیز مثل حق محاکمه و رویه قضایی، با واژه‌های کاربردپذیری در معاهدات جدید بیان می‌شود. کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، تصریح کرده‌اند که فرد بازداشتی می‌تواند از حق خود برای تماس با مشاور حقوقی اطلاع یابد.^۳ درباره حق پناهندگی، بند رهایی‌بخش مقرر در کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی، از جمله نمایندگان دیپلماتیک و کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری اشعار می‌دارد:

مقررات این کنوانسیون بر کاربرد معاهدات راجع به پناهندگی که در تاریخ پذیرش این کنوانسیون لازم‌الاجرا بوده و در بین دولت‌هایی که طرف آن معاهدات هستند، کاربری دارند، هیچ

۱. Articles 8(2), 12 and 10 (2), Respectively.

۲. Article 14 and 17, Respectively.

۳. Articles 7(3) and 9(2).

تأثیری ندارد.^۱

کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری نیز طی مقرره مهمی در فحوا، اصل عدم استرداد یا انتقال اجباری را تصدیق می‌کند که نقطه عطفی در حقوق پناهندگی بین‌المللی است.^۲ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، نه تنها اصل مزبور را به رسمیت می‌شناسند، بلکه آن را برای همکاری دوجانبه گسترش می‌دهند.^۳

معاهدات جدید نیز مقرره‌ای را دربردارند که به طور عملی روش‌های موسوم به «استرداد» و «استرداد غیرعادی یا فوق‌العاده» را که رابطه‌اش با شکنجه، محرومیت از دسترسی به دادگاه‌های ذی‌صلاح، بازداشت ابلاغ‌نشده و دیگر تخلفات از حقوق بشر ثابت شده، ممنوع کرده است (نمایان و طیبی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴). ماده (۱) ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی تصریح کرده است:

کسی که در قلمرو سرزمینی یک دولت، عضو تحت بازداشت یا در حال گذراندن حکم خود باشد و یک کشور عضو دیگر درخواست حضور وی را به منظور شهادت‌دادن، شناسایی یا همکاری در به دست‌آوردن شواهد و مدارک برای بازجویی یا محاکمه جرایم مقرر در این کنوانسیون تسلیم نماید، در صورت اجابت شرایط زیر می‌تواند به دولت دوم منتقل شود: الف) شخص آزادانه رضایت آگاهانه به این کار بدهد؛ ب) مقامات ذی‌صلاح هر دو دولت پیرو چنین شرایطی آن‌طور که صلاح می‌دانند، به توافق برسند.

به طور اساسی ماده (۱) ۱۶ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم و ماده (۱) ۱۷ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای، یکسان‌اند. البته کنوانسیون اخیر مقرر کرده است که یک زندانی باید از نظر انتقال به کشور دیگر، آزادانه رضایت بدهد.

از آنجا که معاهدات مرتبط با تروریسم اصولاً برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی به

۱. Articles 12 and 15, Respectively.

۲. ماده (۱) ۹؛ این بند رهایی‌بخش از ماده ۵ کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم (۱۹۷۷) الهام گرفته شده است.

۳. Article 12 of The Convention Against Terrorist Bombings is Substantially Identical.

تفصیل بیان شده‌اند، حیطة عمل آنها عموماً به اعمالی اختصاص دارد که یک بُعد بین‌المللی دارند. کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری، اکیداً فقط برای پروازها و فرودگاه‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شوند.^۱ کنوانسیون ناوبری دریایی شامل مقرره‌ایست که فقط برای اعمال تأثیرگذار بر کشتی‌های زمان‌بندی‌شده برای سفر در آب‌های بین‌المللی کاربرد دارد. البته استثنایی وجود دارد که نشان می‌دهد این کنوانسیون در جایی که عامل مظنون به ارتکاب یکی از جرایم مشخص شده در معاهدات، در کشوری به جز کشور محل ثبت نام کشتی یافت شود نیز کاربرد دارد.^۲ مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک فقط زمانی کاربردپذیر است که اشخاص ذیل شمول آن در خارج از کشور خود باشند.^۳ افراد دیگری که به وسیله این معاهده مصون شده‌اند، عبارت‌اند از: کارکنان دیپلماتیک و کارمندان دولتی بین‌المللی در حال مأموریت و اعضای خانواده آنها.^۴

ماده ۱۳ از کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری مشخص کرده است که این کنوانسیون در جایی که جرم در قلمرو سرزمینی دولت واقع شود و گروگان و فرد مجرم اتهامی اتباع آن کشور باشند و مجرم در قلمرو سرزمینی آن دولت یافت شود، کاربردی نخواهد داشت. به طور اساسی ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، زبان مشابهی را به کار برده‌اند که با استثنای خاصی دنبال می‌شوند؛ از جمله، یک استثنا به استرداد افراد متهمی که به خارج فرار کرده‌اند،

۱. ماده ۳(۳) کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما؛ ماده ۴(۲) کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری؛ ماده ۱ پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری و ماده ۴(۱) کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی.

۲. Article 4 (1) and (2).

۳. Article 1(a).

۴. ماده (ب) ۱ کنوانسیون امتیازات و مصونیت‌های اسناد سازمان ملل و اسناد مشابه که به طور تلویحی به کنوانسیون ژنو در مورد روابط دیپلماتیک اشاره می‌کند و همچنین، حقوق بین‌الملل عرفی درباره مصونیت دیپلماتیک.

مربوط می‌شود. تنها معاهداتی که به طور کلی برای جرایم ارتكابی به وسیله تبعه یک دولت در قلمرو سرزمینی همان دولت کاربردپذیرند، کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوها‌ی ثابت مستقر در فلات قاره‌اند.^۱

نظام دوم شامل وظیفه کشورهای عضو در پیشگیری از استفاده از قلمرو سرزمینی برای اعمال منظور شده برای ارتكاب جرم در قلمرو سرزمینی دولت‌های دیگر، وظیفه همکاری با دیگر دولت‌ها در یافتن شواهد و مدارک، وظیفه سیاسی ندانستن اعمال تروریستی از نظر استرداد مجرم و تعهدات خاص درباره حقوق بشری افراد مظنون به رابطه مستقیم یا غیرمستقیم با تروریسم است.^۲

بیشتر اعمال تروریستی مشخص شده در معاهدات موجود، شامل جرایم ارتكابی علیه انسان‌هاست. وقتی اعمال تأثیرگذار بر هواپیماها یا کشتی‌ها کیفری شناخته می‌شوند، به طور معمول با شرط محکمی همراه است که آن عمل خطری برای پرواز یا کشتیرانی دربرداشته باشد که به طور تلویحی به معنای خطری برای جان خدمه و مسافران است. مقررات کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای که سرقت چنین موادی را جرم می‌دانند، استثنا هستند؛ ولی خطرات ذاتی در سوء استفاده از مواد هسته‌ای، به گونه‌ای‌اند که می‌توان فرض کرد تهدید جان در همه اعمالی که در این معاهده کیفری شناخته شده‌اند، ذاتی‌اند. مقررهای از کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم که تأمین مالی به اعمالی به جز اعمال جرم‌انگاری شده به وسیله معاهدات قبلی را کیفری می‌داند، تنها برای اعمالی کاربرد دارد که تهدیدی برای زندگی دربردارند.^۳ استثنای اصلی این قاعده، کنوانسیون

۱. به ترتیب مواد (۱) ۲ و (۲) ۲؛ «مقررات کیفری این اسناد برای اعمال ارتكابی توسط یک تبعه در داخل خاک کشور، صرف نظر از ملیت قربانی، کاربردپذیر است. بیشتر این جرایم مستلزم صدمه‌زدن به یک شخص نمی‌باشند».

۲. مواد ۱۰ الی ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی و ماده ۱۲ الی ۱۸ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم (ماده ۱۳ کنوانسیون اخیر نیز از طبقه‌بندی جرایم مقرر در آن به مثابه جرایم مالی ممانعت می‌کند).

۳. Article 2(1) (b).

ضدبمب‌گذاری‌های تروریستی است که استفاده از مواد منفجره و دیگر ادوات مرگبار علیه اماکن عمومی و زیرساخت‌ها با نیت ایجاد ویرانی شدید یا ضرر اقتصادی کلان را کیفری و جرم می‌داند.^۱

مشخصه مهم دیگری در این معاهدات وجود دارد که با قصد خاص فعل ارتكابی در ارتباط است. کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری و کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی، اعمال خاص را بدون هیچ شرط خاصی از نظر قصد خاص ارتكاب عمل، کیفری می‌دانند. در مقابل، انگیزه عنصر کلیدی تنها عملی است که به وسیله کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری جرم‌انگاری شده است و ماده (۱) آن تصریح می‌دارد:

هرکس شخص دیگری را زورگیری یا توقیف و تهدید به مرگ یا صدمه جانی کند، یا همچنان به توقیف او ادامه دهد (که از اینجا به بعد گروگان خوانده می‌شود)، تا شخص ثالث یعنی یک کشور، یک سازمان میان‌دولتی بین‌المللی، یک شخص حقیقی یا حقوقی، یا گروهی از افراد را وادار به انجام یا عدم انجام کاری کند که شرط صریح یا ضمنی آزادکردن گروگان باشد، در چارچوب فحویبی این کنوانسیون مرتکب جرم گروگان‌گیری شده است.

معاهدات دیگر، اعمال خاص را بدون توجه به قصد ارتكاب عمل، کیفری می‌دانند و اعمال دیگر را به ویژه اعمالی که متضمن رفتار خشونت‌آمیز نیستند، تنها در صورتی کیفری می‌دانند که با قصد لازمه واقع شده باشند؛ مثلاً کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای، به طور آشکار سرقت این مواد و تهدید به استفاده از آنها را کیفری می‌داند؛ ولی تهدید به سرقت مواد هسته‌ای را تنها زمانی جرم و کیفری می‌داند که نیت وادارکردن یک شخص حقیقی یا حقوقی، یک سازمان بین‌المللی یا یک کشور به انجام کاری یا عدم انجام کاری وجود داشته باشد.^۲ کنوانسیون ناوبری دریایی و پروتکل سکوه‌ای واقع در فلات قاره نیز اعمال خشونت‌آمیز را بدون هیچ شرطی در رابطه با

۱. ماده (ب) ۱ پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری تخریب کامل یا نسبی یک فرودگاه یا یک هواپیمای اشغال‌نشده را کیفری اعلام کرده است.

۲. Article 7(1)(a), (b), (c) and (d) (i) and 7 (1) (d) (i), Respectively.

قصد آن، کیفری می‌دانند؛ ولی تهدیدها را زمانی در نظام حقوقی خود ضمیمه می‌کنند که با نیت خاص برای وادارکردن یک شخص حقیقی یا حقوقی به انجام یا عدم انجام کاری، صورت گرفته باشند.^۱

کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، اهدای کمک مالی یا جمع‌آوری اعانه برای حمایت از هر عمل دیگر که برای ایجاد مرگ یا صدمه بدنی جدی را زمانی که هدف چنین عملی ذاتاً یا در بافت آن، مرعوب‌ساختن گروهی از مردم یا وادارکردن یک دولت و یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا عدم انجام کاری باشد، کیفری می‌داند.^۲ این امر نشانگر نقطه عطفی در توسعه حقوق بین‌الملل در مورد تروریسم است؛ زیرا نخستین مقرره معاهداتی است که به «هدف تروریسم» به صورتی که در حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشخص شده است (یعنی مرعوب‌ساختن مردم)، اشاره می‌کند. این معاهده برخلاف برخی معاهدات پیشین، اعمال منظور شده برای باج‌گیری از اشخاص حقیقی یا شرکت‌ها را جرم نمی‌داند. این محدودیت به متمایزکردن تروریسم از جرم عادی و تأکید بر منحصر به فرد بودن تهدیدی که بر صلح و امنیت تحمیل می‌کند، کمک خواهد کرد (همان).

معاهدات قدیمی‌تر در اصل از غیرنظامیان و اموال آنها حمایت می‌کنند. کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما و کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هواپیمایی کشوری، با قید تأکیدی تصریح کرده‌اند که برای هواپیماهای نظامی، پلیس و گمرکی، کاربردپذیر نیستند و حیطه کاربری پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی خشونت در فرودگاه‌های در خدمت هواپیمایی بین‌المللی کشوری، به فرودگاه‌هایی که در خدمت هواپیمایی بین‌المللی اند، محدود می‌باشد.^۳ کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی، مقرره‌ای دارد که اکیداً کاربری آن را برای کشتی‌های جنگی، پلیس و گمرکی ممنوع می‌کند و پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره، به طور انحصاری برای سکوهاى واقع در فلات قاره کاربری دارد که برای اهداف

۱. Article 2(c) and 2(2)(c), Respectively.

۲. Article 2(1)(b).

۳. Article 3(2), 4(1) and 1, Respectively.

اقتصادی استفاده می‌شود.^۱

کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی، از جمله نمایندگان دیپلماتیک فقط از گروه بسیار محدودی از کارکنان نظامی حمایت می‌کند؛ یعنی از افرادی که مشاغل دیپلماتیک دارند یا در سازمان‌های بین‌المللی خدمت می‌کنند. مقررات راجع به کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای که انتشار یا تهدید به استفاده از مواد هسته‌ای علیه انسان‌ها یا اموال آنها را جرم‌انگاری نموده، استثنا هستند. این معاهده فقط برای ماده هسته‌ای مقرر شده است و برای مصارف صلح‌آمیز غیرنظامی کاربرد دارد؛ ولی هیچ تفاوتی میان ماهیت نظامی یا غیرنظامی اشخاص یا تأسیسات هدف‌گیری یا تهدیدشده قائل نمی‌شود.^۲

جدیدترین کنوانسیون‌های ضد تروریسم حاکی از فاصله گرفتن از این روند می‌باشند و مصونیت برای کارکنان و تأسیسات نظامی را مثل پرسنل و تأسیسات غیرنظامی، ایجاد می‌کنند. حیطة کاربردپذیری آنها در این باره به طور کامل با رجوع به حقوق بین‌المللی بشردوستانه مرزبندی می‌شود.

۳. جرم‌انگاری بین‌المللی تروریسم

با جرم‌انگاری اشکال و ابعاد متنوع تروریسم، حقوق بشر، منافع دولت‌هایی که به طور مشروع تشکیل شده‌اند، روند صلح‌جویانه و سیاسی کشورها و صلح و امنیت بین‌المللی از آن دسته منافع هستند که به طور قطع حفظ می‌شوند. با وجود اینکه وقایع گوناگون در طول تاریخ، جامعه بین‌المللی را به سوی جرم‌انگاری مظاهر متنوع تروریسم سوق داده‌اند و باعث شده‌اند تروریسم را به عنوان تخلف از حقوق بشر و تهدیدی برای صلح و امنیت مردود بشمارد (Saul, 2009, p.354)؛ اما تاکنون یک تعریف جهانی از تروریسم به دلیل عدم اجماع و تشتت آرای میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ارائه نشده است. از اینرو، بدون یک تعریف روشن، موجز و منسجم، «چگونه

۱. Article 2(1)(a) and (b) and Article 1(3), Respectively.

۲. Article 2 and 7(1)(a)(e) and (i), Respectively.

می‌توان تروریسم را تا حد یک جرم بین‌المللی ارتقا داد؟». این امر دو پرسش قابل تأمل را مطرح می‌سازد: درباره اعمالی که حقوق بشر اساسی را طوری نقض می‌کنند که وجدان بشریت را شوک‌زده می‌کنند، آیا جامعه بین‌الملل در مورد منافع ناشی از تلقی تروریسم، به عنوان یک جرم بین‌المللی به توافق کامل رسیده است؟ و آیا اعمال خشن، ارزش‌ها و منافع ذاتی جامعه ملت‌ها (Triffterer, 2002, p.89-91) را به چالش می‌کشند تا مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار بگیرند؟ هم‌چنین، آیا این منافع از سوی همه ملت‌ها به رسمیت شناخته شده‌اند و به روشی ثابت و سازگار ضمن تصدیق، به کار گرفته می‌شوند؟

آن‌گونه که در پرونده «پکت هابانا»^۱ به روشنی در دیوان عالی ایالات متحده بیان شده است، با گذشت زمان آنچه در آغاز در عرف یا حسن رابطه، ادب و نزاکت یا تسلیم جا داشت، در نهایت به واسطه توافق عمومی ملت‌های متمدن، به صورت یک حکم توافقی از حقوق بین‌الملل درآمد^۲ که به مطرح شدن این پرسش منجر گردید که «آیا تروریسم به چنان سطحی از حقوق بین‌الملل عرفی رسیده است که مشروعیت آن به مثابه یک جرم بین‌المللی و نه یک جرم فرامرزی توجیه گردد؟». به نظر می‌رسد پاسخ پرسش مذکور، منفی است. در مقابل، می‌توان استدلال کرد که شیوه عمل و عرف کشورها در ارتباط با تروریسم، ناسازگار است و مقررات کاربردی برای تروریسم هنوز مقرراتی توافق نشده‌اند که از راه توافق عمومی ملت‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند (ر.ک: طالقانی و نمایان، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۱۰۲).

۴. دیوان کیفری بین‌المللی و تعقیب تروریسم

پیش‌نویس ۱۹۹۴م اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به وسیله کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده است، جرایمی را که باید در دیوان کیفری بین‌المللی دادرسی شوند،

۱. The Paquete Habana, 175 U.S. 677 (1900). For a Detailed Discussion, See GREGORY E. MAGGS, TERRORISM AND THE LAW CASES AND MATERIALS 40 (West 2005).

۲. The Paquete Habana, 175 U.S. at 694.

تعریف نکرده است.^۱ تنظیم‌کنندگان این پیش‌نویس تصور می‌کردند جرایم تعریف‌شده به وسیله معاهدات بین‌المللی اجرایی، به همراه جرایم مندرج در پیش‌نویس آیین‌نامه جرایم ضد صلح و امنیت بشری که کمیسیون حقوق بین‌الملل در روند تنظیم آن بود،^۲ و جرایمی که جزئی از حقوق بین‌الملل عرفی لحاظ شده‌اند، باید صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی را تشکیل دهند. بر این اساس، از همان آغاز نمایندگان اعزامی که در کمیته مقدماتی پیش از رم (۱۹۹۵م) و کمیته مقدماتی (۱۹۹۸-۱۹۹۶م) شرکت کردند، شدیداً از درج تعاریف جرایمی که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی باید دادرسی شوند، حمایت کردند.^۳ مهم‌تر اینکه این مشمولیت عدالت را در حق شاخه حقوقی اصل «مشروعیت» ادا می‌کند.^۴

با این اوصاف، پیش‌نویس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به وسیله کمیته به رم تسلیم شد، شامل مقرره‌های ذیل است:

بنا بر اهداف اساسنامه حاضر، جرایم تروریسم بدین معنا هستند:

۱. اقدام، سازماندهی، حمایت، نظم‌دهی، تسهیل، تأمین مالی، ترویج اعمال خشونت‌آمیز علیه یک کشور دیگر، با هدف حفظ جان و مال مردم و دارای ماهیتی برای ایجاد رعب و وحشت یا ناامنی در اذهان شخصیت‌های دولتی، گروه‌هایی از افراد، عموم مردم یا جمعیت‌ها، با هرگونه ملاحظه یا هدف دارای ماهیت سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ماهیت دیگر که بتوان برای توجیه این اعمال به آنها متوسل شد.
۲. جرمی براساس کنوانسیون‌های ذیل:
الف) کنوانسیون راجع به سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما؛

۱. Draft Statute for an International Criminal Court, Rep. of the Int'l Law Comm'n, 46th Sess., U.N. Doc A/49/10, U.N. GAOR, 49th Sess., Supp. No. 10 (1994) [hereinafter Draft Statute].

۲. See Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind, U.N. GAOR 51st Sess., Supp. No. 10, U.N. Doc. A/51/10, at 14 (1996).

۳. See id. at 11, 25-104.

۴. Čelebići, supra note 22, 402.

ب) کنوانسیون راجع به سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی هوایمایی کشوری؛
 ج) کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛
 د) کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری؛
 ه) کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی؛
 ر) پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهایی ثابت مستقر در فلات قاره.

۳. جرمی متضمن استفاده از جنگ‌افزار گرم، اسلحه، مواد انفجاری و مواد خطرناک در جایی که به عنوان وسیله‌ای برای تداوم بخشیدن به خشونت بلا تبعیض و متضمن مرگ یا صدمه جسمی شدید به اشخاص، گروه‌هایی از اشخاص یا جمعیت‌ها یا خسارت مالی شدید به کار روند^۱ (ر.ک: نمایان، ب، ۱۳۸۸، ص ۴۳ / همو، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵ / کوشا و نمایان، ب، ۱۳۸۷، ص ۲۷۱).

در روز دوم کنفرانس رم، اسپانیا یک طرح پیشنهادی را جهت گنجانیدن تروریسم در مقرره‌های حقوقی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کرد؛ ولی در این طرح پیشنهادی، تروریسم تعریف نشده بود.^۲ الجزایر، هند، سریلانکا و ترکیه متعاقباً طرح پیشنهادی رسمی دیگری را برای برگرداندن تروریسم به وضع قبلی به عنوان یک جرم در حیطه صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی تقدیم کردند.^۳ نسخه بازنگری شده این طرح پیشنهادی، «عمل تروریستی» را به شرح ذیل تعریف کرده بود:

اول. یک اقدام تروریستی با همه اشکال و تظاهراتش مشتمل بر به‌کارگیری خشونت بلا تبعیض که علیه افراد بی‌گناه یا اموال مردم انجام می‌شود و برای ایجاد حالت رعب و

۱. Draft Statute for an International Criminal Court, U.N. Doc. A/CONF.183/2/Add.1, 27-28 (Apr. 14, 1998).

۲. See: Proposal Submitted by Spain, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.1 (June 16, 1998).

۳. Proposal Submitted by Algeria, India, Sri Lanka and Turkey, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.27 (June 29, 1998).

وحشت و ناامنی در اذهان عموم مردم یا جمعیت‌ها در نظر گرفته شده و منجر به مرگ یا صدمه جسمی شدید یا آسیب‌رساندن به سلامت روحی یا جسمی و خسارت مالی شدید می‌شود، صرف‌نظر از هرگونه ملاحظه یا هدف دارای ماهیت سیاسی، ایدئولوژی، فلسفی، نژادی، قومی، مذهبی یا هر ماهیت دیگر که برای توجیه آن عمل به کار گرفته شود، یک جرم محسوب می‌شود.

دوم. این جرم شامل هر جرم خطرناکی می‌شود که موضوع یک کنوانسیون همه‌جانبه برای از میان‌بردن تروریسم بین‌المللی باشد که طرفین کنوانسیون را ملزم به استرداد و یا تعقیب مجرم نموده است.^۱

باربادوس، دومینیکا، هند، جامائیکا، سریلانکا، ترینیداد، توباگو و ترکیه یک طرح پیشنهادی دیگر ارائه کردند که کمیسیون مقدماتی را به تعمق فوری در مورد تعریف جرم تروریسم و عناصر آن دعوت می‌کرد.^۲ همچنین، اقداماتی در رم به منظور درج تروریسم در اساسنامه ذیل عنوان جرایم ضدبشری صورت گرفت.^۳

طبق تعریف، آن‌گونه که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مطابق چهارچوب جرایم ضدبشری مقرر شده است:^۴

تروریسم حمله‌ای است که هدف آن یک جمعیت غیرنظامی می‌باشد و مشروط به آنکه پیرو یک سیاست حکومتی یا سازمانی و یا به منظور پیشبرد چنین سیاستی اجرا شود.^۵

بر این اساس، تروریسم دقیقاً به عنوان جرمی ضدبشری در چهارچوب شرایط قضایی جهت تعقیب در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد (William

-
۱. Proposal Submitted by India, Sri Lanka and Turkey, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.27/Rev.1 (July 6, 1998). Algeria was not cited as a party to the Revised Proposal.
 ۲. Proposal Submitted by Barbados, Dominica, India, Jamaica, Sri Lanka and Trinidad and Tobago, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.71 (July 14, 1998).
 ۳. See Recommendation of the Coordinator on "Crimes within the Jurisdiction of the Court", U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.44 (July 7, 1998); U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.44/Corr.1 (July 7, 1998), art. 5(2)(1)(j bis). See supra note 60.
 ۴. See: ICC Statute, supra note 25.
 ۵. Id. art. 7(2)(a).

(A, 2008, p.51-53). تروریسم که مصداق اعمال غیرانسانی منجر به درد و رنج فراوان یا صدمه شدید به جان یا به سلامت روحی و جسمی است، آشکارا به عنوان جرمی ضدبشری^۱ واجد شرایط اهداف صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد؛ بنابراین امکان دارد مواردی از تروریسم موجود باشند که در حدود آستانه جرایم ضدبشری جای نمی‌گیرند؛ ولی اگر کشور متولی توانایی یا تمایلی برای تعقیب تروریست‌ها نداشته باشد، باید برای اجرای عدالت، به دیوان کیفری بین‌المللی کشانده شود.

در نهایت، موافقان گنجاندن جرایم مرتبط با مواد مخدر و یا اعمال تروریسم در صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی نتوانستند تعداد کافی از نمایندگان اعزامی را برای حمایت از این ایده و یا هرگونه تعریفی از این جرایم متقاعد کنند (Kirk, 1998, p.12-14).^۲ طرح پیشنهادی ۱۰ جولای ۱۹۹۸م،^۳ سازمان اظهارنظری را دربردارد که بدین مضمون است که اگر مقرره‌های مورد قبول عمومی تا پایان دوشنبه ۱۳ جولای^۴ به وسیله نمایندگان مربوطه تنظیم شوند، می‌توان برخی از جرایم مبتنی بر معاهده را در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی درج کرد. سازمان این‌گونه نوید داد که اگر هیچ تعریف قابل قبولی برای عموم حاصل نگردد، این جرایم به شکل دیگری مثلاً به وسیله یک پروتکل یا کنفرانس بازنگری منعکس خواهند شد.^۵

اما در نهایت هیچ نامی از تروریسم یا قاچاق مواد مخدر در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برده نشد. با این حال، کنفرانس رم، قطعنامه‌ای را پذیرفت که توصیه می‌کرد یک کنفرانس بازنگری با هدف رسیدن به تعریفی قابل قبول و درج این جرایم در فهرست جرایم مشمول صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی، به بررسی جرایم

۱. ICC Statute, supra note 25, art. 7(1)(k).

۲. In the debate in the Committee of the Whole on the Bureau's Discussion Paper, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.53 (July 6, 1998).

۳. Bureau Proposal, U.N. Doc. A/CONF.183/C.1/L.59 (July 10, 1998).

۴. Id. art.

۵. Id.

تروریسم و قاچاق مواد مخدر پردازد.^۱ هلند یک طرح پیشنهادی را برای گنجاندن تروریسم در صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی ارائه کرد؛^۲ ولی تصمیم بر آن شد که طرح پیشنهادی در کنفرانس بازنگری که از ۳۱ ماه می تا ۱۱ ماه ژوئن سال ۲۰۱۰م در کامپالای اوگاندا برگزار می‌شد، تحت بررسی قرار نگیرد. مجمع کشورهای عضو، یک کارگروه دایر کرد تا پس از نهمین اجلاس‌اش به بررسی اصلاحیه‌های پیشنهادی پردازد.^۳ کارگروه اصلاحیه‌ها در نهمین اجلاس خود که از ۶ تا ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰م در نیویورک برگزار شد، درصدد برآمد در طول مشاوره‌های غیررسمی در نیویورک، بین اجلاس نهم و دهم مجمع کشورهای عضو - یعنی در سال ۲۰۱۱م - به بررسی اصلاحیه‌های پیشنهادی پردازد^۴ (نماین، ب، ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۸).

شاید حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م بیشتر از هر چیز دیگری بر ضرورت درج تروریسم به عنوان یک جرم در چهارچوب صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی تأکید کرده باشند. به نظر می‌رسد امریکا با قصد حذف جرم تروریسم از صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی به گونه‌ای تشریفاتی وارد بحث و مناظره در مورد تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی شده باشد. حتی اگر تروریسم به طور آگاهانه از صلاحیت قضایی موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی - (Zimmermann, 1998, p.106)

-
۱. Resolution E, Final Act of the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, U.N. Doc. A/CONF.183/10 (July 17, 1998).
 ۲. Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court: Eighth Session, The Hague, November 18-26, 2009, U.N. Doc. ICC-ASP/8/20, Appendix III (at 65-66).
 ۳. Resolution ICC-ASP/8/Res.6, 4 (Nov. 26, 2009); Press Release, Int'l Criminal Court, The Assembly of States Parties to the Rome Statute Opens Its Ninth Session (July 12, 2010), available at <http://www.icccpi.int/menus/asp/press%20releases/press%20releases%202010parties%20to%20the%20rome%20statute%20opens%20its%20ninth%20session>.
 ۴. Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court, Ninth Session, New York, U.S., Dec. 6-10, 2010, Official Records, para. 7, ICC-ASP/9/20 (Vol. I), Annex II.

107) - دست‌کم به عنوان جرمی مجزا ذیل آن نام - حذف می‌شد، باز هم مؤلفه‌ای افزون بر جرایمی بود که در محدوده صلاحیت قضایی موضوعی دیوان قرار می‌گیرند (Axworthy, 2002, p.756-757). اگر به عنوان ابزار جنگ به تروریسم توسل شود، می‌توان آن را مثلاً به عنوان حمله‌ای عمدی با هدف جمعی غیرنظامی یا با هدف غیرنظامیان فردی که در مخاصمات نقش مستقیمی ندارند، تحت تعقیب قرار داد. این مصادیق با این مسئله بی‌ارتباط‌اند که مخاصمات واجد شرایط یک درگیری مسلحانه بین‌المللی باشند،^۲ یا درگیری مسلحانه‌ای باشند که فاقد ویژگی بین‌المللی است.^۳ گروگان‌گیری نیز می‌تواند متضمن یک عمل تروریستی باشد. گروگان‌گیری یک جنایت جنگی در نبرد مسلحانه بین‌المللی^۴ و همچنین، در نبرد مسلحانه فاقد ویژگی بین‌المللی است.^۵ چنانچه در «عناصر جرم» مقرر شده است، فردی که مرتکب گروگان‌گیری می‌شود، قصد دارد یک دولت، یک سازمان بین‌المللی، یک شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از اشخاص را به انجام یا ترک عملی وادارد که به مثابه شرط تلویحی یا آشکار برای مصونیت یا آزادی شخص یا اشخاصی است^۶ که آشکارا انگیزه نوعی یک دسته خاص از تروریست‌ها را مشخص می‌سازد^۷ (نمایان، الف، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

البته لازم به ذکر است دیوان برای این که بتواند ابزاری مؤثر در واکنش به جرایم بین‌المللی باشد باید دارای صلاحیت اجباری باشد. وجود یک دادستان مستقل و کارآمد برای تعقیب جرایم بین‌المللی امری ضروری است. رویه موجود که مبتنی بر رضایت دولت‌ها است نمی‌تواند به‌طور مؤثر در برقراری عدالت کیفری بین‌المللی نقش داشته

۱. Resolution E, supra note 72.

۲. ICC Statute, supra note 25, art. 8(2)(b)(i).

۳. Id. art. 8(2)(e)(i).

۴. Id. art. 8(2)(a)(viii).

۵. Id. art. 8(2)(c)(iii).

۶. Preparatory Commission for the International Criminal Court, Elements of Crimes, arts. 8(2)(a)(viii) 3, 8(2)(c)(iii) 3, U.N. Doc. PCNICC/2000/INF/3/Add.2 (July 6, 2000) [hereinafter Elements of Crimes]; ASPOR (First Session), ICC-ASP/1/3 Pt. II.B, at 108 (Sept. 3, 2002).

۷. See: Greve, supra note 4, at 106.

باشد. همواره این خطر وجود دارد که آنچه دولت‌ها تعقیب می‌کنند ممکن است با عدالت کیفری بین‌المللی در تعارض باشد. این امر به طور معمول راجع به موافقت‌نامه‌های صلح، به عنوان نمونه «موافقت‌نامه دیتون»، حادث می‌شود. این موافقت‌نامه متضمن مقرره‌ای راجع به مسئولیت کیفری افراد متهم به نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نزد دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق است (نژندی‌منش، ۱۳۹۲، ص ۴۹۰).

۵. جایگاه صلاحیت جهانی در تعقیب تروریسم

۵-۱. جرایم بین‌المللی و صلاحیت جهانی

این پرسش که «آیا صلاحیت قضایی بر طبق نوع تهدید یا صدمات وارده، یا نوع تأثیری که جرم علیه کشوری یا بر روی جامعه بین‌الملل ایجاد می‌کند، قابل توجیه است؟»، مبنایی را برای طبقه‌بندی تروریسم آشکار می‌سازد. آن جرایم دهشتناک که اصول و ضوابط لازم‌الرعايه حقوق بین‌الملل را نقض و به منافع بنیادین جامعه بین‌الملل تجاوز می‌کنند، مشمول صلاحیت جهانی می‌شوند؛ زیرا در مجموع به منافع جامعه بین‌الملل لطمه وارد می‌سازند (Gordon, 2008, p.882-884).

در واقع جرایمی که باعث اعتراض جهانی می‌شوند، برخی عناصر مشترک دارند؛ این جرایم فی‌نفسه به دقت تعریف می‌شوند و در سطح جهانی مورد قبول قرار می‌گیرند و صلاحیت جهانی برای محاکمه چنین جرایمی، به عهده دادگاه‌های بین‌المللی با ویژگی فراملی یا دادگاه‌های داخلی دارای صلاحیت جهانی خواهد بود (Helfer & Slaughter, 2005, p.93). جرم نسل‌کشی، جرایم ضد بشری، جنایات جنگی و اعمال تجاوزکارانه، گونه‌هایی از اعمال کیفری‌اند که عموماً آنها را مشمول قلمرو دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی می‌دانیم (ر.ک: نمامیان، ۱۳۸۶، ص ۷-۱۱).^۱

بر این اساس، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که «آیا تروریسم به این دسته از

۱. Rome Statute of the ICC, supra note 6.

جرایم تعلق دارد؟». پیش از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، بسیاری از کشورها در صورت احراز برخی شرایط، اقدامات جنایی را تا حد اقدامات تروریستی ارتقا می‌دادند. به طور معمول، تروریسم در نظام و حقوق داخلی شناخته می‌شد و کشورها نسبت به تعقیب اقدامات تروریستی بی‌ارتباط با خود، اکراه داشتند؛ ولی پس از آن، وضع موجود تغییر کرد و قانون‌گذاری در سراسر جهان از حالت انفعال خارج شد. به ویژه قانون‌گذاری ضدتروریسم در صورت تشخیص یک ویژگی فراملی همچون ارتباط با سازمان‌های تروریستی خارجی و داخلی، جرایم ذیل لوای حقوق عادی را تا سطح اعمال تروریستی ارتقا داد. ایالات متحده قانون ضد تروریسم را مبتنی بر این ایده مورد تصویب قرار داد. اگر تروریسم عملی باشد که خارج از مرزهای ایالات متحده به وقوع بپیوندد؛ ولی ایالات متحده از سوی آن احساس خطر کند، آنگاه چنین وضعیتی اعمال غیرقانونی که در دیگر کشورها به تروریسم شکل می‌دهند، به همان صورت در داخل ایالات متحده غیرقانونی محسوب می‌شوند.^۱ ایالات متحده از راه اجرای اقدامات برون‌مرزی همچون استرداد، می‌کوشد با ورود به مرزهای یک کشور دیگر، فرد مظنون را به چنگ آورده، به خاک ایالات متحده بیاورد. با این حال، ایالات متحده حق ممنوع‌کردن دیگر کشورها از انجام همان کار در داخل کشورش را حفظ کرده است (Zagaris, 2008, p.115-116). این حفظ حق باز هم کابوس تمکین امپریالیستی را پدید می‌آورد و می‌تواند در برخی نقاط جهان به تحریم همکاری جهانی و همه‌جانبه در مبارزه با تروریسم و جرایم ذیل صلاحیت جهانی تعبیر شود.

۲-۵. وضعیت محاکم داخلی در اجرای صلاحیت جهانی

به طور کلی در اعصار گذشته، کشورها اکراه داشتند صلاحیت داخلی را نسبت به جرایمی اعمال کنند که دارای ویژگی برون‌مرزی بودند؛ ولی اخیراً تا اندازه‌ای به خاطر جنگ جهانی با تروریسم، جهانی‌شدن و شکستن موانع تجاری، اقتصادی و سیاسی، کشورها یک قانون کیفری وضع کرده‌اند که برون‌مرزی بودن را آشکارا اعلام کرده است. چنین حرکتی از سوی کشورها به سمت صلاحیت جهانی، گویای پیوند جهانی علل

۱. See: 8 U.S.C. 1182(a)(3)(B)(iii) (2006).

مشترک هم‌چون واکنش به تخلف فاحش از حقوق بشر از جمله نسل‌کشی، جرایم ضدبشری و قاچاق زنان و کودکان، به ویژه آنجا که کشور میزبان فاقد ظرفیت یا تمایل برای احراز مسئولیت و پاسخگویی مرتکبان این جرایم باشد، است.^۱ به گفته سازمان عفو بین‌الملل، حدود یکصد و بیست و پنج کشور مقرراتی کیفری وضع کرده‌اند که صلاحیت جهانی را به جرایم ضدبشری و دیگر جرایم مغایر با قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل گسترش می‌دهد (Bassiouni, 1996, p.56-58).^۲ نمونه‌های قابل ذکر دادگاه‌های داخلی مسئول تعقیب اتباع خارجی به موجب صلاحیت جهانی و برون‌مرزی بودن، عبارت‌اند از: آدولف / اشمین در اسرائیل، نیکلای جرجیک در آلمان (به خاطر جنایت نسل‌کشی در یوگسلاوی سابق) و تقریباً این اواخر روی بلغاست و چارلز چوکی تایلور که در ایالات متحده به علت ارتکاب برخی جرایم در سیریا محکوم شدند (Belfast, 2009, p.48).

با این حال، لازم به ذکر است صلاحیت جهانی به موجب قانونگذاری داخلی، وظیفه اقدام علیه مرتکبان جرایم برون‌مرزی را بر یک کشور تحمیل نمی‌کند. چنین اقدامی قانونی به جای موظف کردن کشورها، اختیار محاکمه و مجازات مجرمان را براساس حقوق بین‌الملل به آنها می‌بخشد (Golden, 2008, p.1159-1160). اما خطری ذاتی در اعمال صلاحیت جهانی در یک دادگاه قضایی داخلی درباره اعمال تروریستی بین‌المللی وجود دارد. کابوس امپریالیسم بر اقدام قدرت‌های جهان به خصوص آمریکا برای جوابگودانستن مرتکبان اعمال تروریستی، به علت اعمالی که در خارج از خاک مستقل کشور محاکمه‌کننده به وقوع پیوسته‌اند، سایه می‌افکند. / وستن پریش این نکته مهم را مطرح کرده است که به‌کارگیری حقوق آمریکا در خارج از خاک این کشور، ظاهر یک ابزار یک‌جانبه برای سلطه آمریکا را دارد (Parrish, 2009, p.866-).

۱. Ibid. at 146.

۲. AMNESTY INTERNATIONAL, UNIVERSAL JURISDICTION: THE DUTY OF STATES TO ENACT AND IMPLEMENT LEGISLATION 3 (2001), <http://www.amnesty.org/en/library/asset/IO53/002/2001/en/dom-IO530022001en.pdf> (visited Apr. 4, 2009).

867). همین مطلب درباره دیگر ابرقدرت‌هایی صدق می‌کند که از قانونگذاری داخلی خود برای تحمیل نظم بر جهانی پُرهرج و مرج و خشن استفاده می‌کنند. از این مسئله می‌توان داستانی احتیاط‌آمیز آموخت؛ رأی دادگاه‌ها که از سوی دلالتان قدرت جهان به خصوص ایالات متحده صادر شده باشد، از نظر کشورهای دیگر مشکوک می‌نماید. این اظهارات به ویژه زمانی صدق می‌کند که ایالات متحده یک معیار دوگانه را به کار ببندد که از سویی محاکمه خارجی‌ها در دادگاه‌های امریکا را مجاز می‌کند؛ ولی اجازه نمی‌دهد شکایت قانونی از جنبه حقوقی بشر بر علیه عاملان امریکایی به صورت پرونده دادگاهی درآید.^۱ پاریش به این نتیجه رسید که در صورت اجرای دقیق حقوق بشر از راه اسناد و نهادهای بین‌المللی^۲ (به عبارتی دادگاه‌های بین‌المللی و تحریم‌های سازمان ملل متحد یا دیگر سازمان‌های بین‌المللی)، راه مناسبی برای رسیدگی اعمال جنایی‌ای به نظر می‌رسد که در چهارچوب صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند (ر.ک: نمایان، الف، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴).

۳-۵. جایگاه صلاحیت جهانی در محاکم کیفری بین‌المللی

ارتقای تروریسم تا سطح دادگاه‌های دارای صلاحیت جهانی همچون دیوان کیفری بین‌المللی، چندین نقص دارد؛ از یک سو چنین اقدامی دشوار است؛ زیرا جرایمی که ذیل صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند، جرایم مغایر با اصول و ضوابط لازم‌الرعايه حقوق بین‌الملل‌اند که تا اندازه‌ای غیرقانونی‌اند که وجدان جهانیان را شوک‌زده می‌کنند و برای همه انسان‌ها نوعی هتک حرمت به شمار می‌روند. اگر ما از این معیار طرفداری کنیم، تروریسم الزاماً واجد شرایط دیوان کیفری بین‌المللی نیست؛ چون می‌توان آن را مفهومی بسیار سیاسی شده و متناقض مشمول تفسیر دانست. تروریست یک نفر و آزادی‌ستیز نفر دیگری است.^۳ اگر چنین بود، آنگاه اعمالی که در

۱. Ibid. at 867.

۲. Ibid.

۳. The Clark-attributed phrase is actually found in Gerald Seymour's 1975 novel, HARRY'S GAME: A THRILLER 62 (Overlook TP 2007) (1975).

دوره‌های گوناگون تاریخ امریکا قهرمانانه محسوب می‌شدند، می‌توانستند مشمول صلاحیت جهانی باشند؛ به عنوان نمونه، در این باره می‌توان به قرارداد صلح با سرخپوستان دشت‌های امریکا در اواخر قرن نوزدهم اشاره کرد. از سویی نمی‌توان طالب بازنگری شرح حال‌های متعدد مظالمی باشیم که فرماندهان نظامی امریکا در طول جنگ فیلیپین - امریکا در سال‌های ۱۹۰۲-۱۸۹۹م در فیلیپین مرتکب شدند و در خلال آن، ۱/۴ میلیون فیلیپینی به دلایلی جان باختند که براساس معیارهای امروزی جرایم ضدبشری تحت حمایت کشوری و مغایر با اصول و ضوابط لازم‌الرعایه حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شود. می‌توان همین قیاس را درباره جرایم تجاوزکارانه به کار گرفت که هرگز نمی‌توانند ذیل صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی قرار بگیرند؛ زیرا جامعه جهانی درباره تعریف آنها به توافق نایل نگردیده است؛ به عنوان مثال، پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، اعمال پارتیزان‌های نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا را جرمی عادی محسوب می‌کردند؛ اما این پارتیزان‌ها پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، تروریست شناخته شدند که مرتکب همان جرایم می‌شوند^۱ (کوشا و نامیان، ۱۳۸۹، ص ۳۲۲-۳۲۱).

جرایم بین‌المللی همان جرایم داخلی‌اند که براساس یک معاهده یا کنوانسیون، به صورت بین‌المللی درآمده‌اند. جرایم از لحاظ چارچوب عمل به وسیله جامعه بین‌المللی در واکنش به شدت عمل جنایی شنیع به صورت بین‌المللی درمی‌آیند. با این حال، این جرایم به موجب حقوق بین‌الملل عرفی صرف بین‌المللی نمی‌شوند، بلکه به واسطه شوک و انزجاری که در کل در جامعه بین‌الملل برمی‌انگیزند، به جرم بین‌المللی تبدیل می‌شوند، در حالی که حقوق کیفری جهانی به واسطه قانونگذاری داخلی، به یک الزام و تعهد تبدیل شد؛^۲ حقوق بین‌الملل کیفری الزامات را بدون توجه به قانونگذاری داخلی تحمیل می‌کند. حقوق کیفری فراملی به موجب حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری فردی را ایجاد نمی‌کند، بلکه این مسئولیت به موجب حقوق داخلی ایجاد می‌گردد. اقتدار و اختیار برای مجازات‌کردن حاصل از حقوق داخلی است. از سوی

۱. http://www.justice.gov/opa/pr/2004/December/04_crm_808.htm.

۲. See: 18 U.S.C. 1182(a)(3)(B) (2006).

دیگر، حقوق بین‌الملل کیفری مسئولیت کیفری فردی را به موجب حقوق بین‌الملل و بدون توجه به اینکه کشورهای دیگر چنین عملی را براساس حقوق داخلی‌شان جرم‌انگاری کرده یا نکرده باشند، ایجاد می‌کند. اختیار مجازات جرایم بین‌المللی، حاصل حقوق بین‌الملل است؛ زیرا این جرایم براساس حقوق عرف بین‌المللی بدون می‌شوند که دستاورد اجماع بین‌المللی است؛ بنابراین ممنوعیت این جرم تابع موجودیت یک معاهده نیست (نمامیان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۶-۲۵۷).

با مقایسه مرتکبان جرم بین‌المللی با افرادی که مرتکب جرم فراملی می‌شوند، یک خصیصه آشکار می‌شود که مشخص می‌کند صلاحیت قضایی کیفری داخلی برای تعقیب اعمال تروریستی مناسب‌تر است یا یک قضاوت دیگر.

اغلب جرایم بین‌المللی را به افرادی ربط می‌دهند که مسند قدرت را اشغال کرده‌اند و با تکیه به موقعیت خود، مرتکب این جرایم می‌شوند و یا اینکه ظاهر قدرت را در داخل یک کشور دارند و مرتباً ادعا می‌کنند برای حفظ امنیت ملی و منافع ملت عمل کرده‌اند.^۱ در چنین مواردی باید پرسید «آیا صلاحیت قضایی داخلی ضمانت کافی برای حفظ ارزش‌های ذاتی برای جامعه بین‌الملل را محفوظ می‌دارد و از تخلفات بیشتر بدون کمک دیگر کشورها یا حوزه‌های قضایی فراملی جلوگیری به عمل می‌آورد؟». در مقابل، افراد متهم به جرایم فراملی برای ارتکاب چنین اعمالی، نه در رابطه با مسند قدرت خود و نه برای حفظ منافع ملت یا امنیت ملی، به طور کلی انگیزه‌ای ندارند. در حقیقت انگیزه آنان اهداف شخصی و به دلیل آزمندی، انزجار، بلندپروازی و دیگر اهداف شخصی است.

۶. صلاحیت جهانی و تعقیب تروریسم؛ موازین و قواعد لازم‌الاجرا

اگر تروریسم بین‌المللی در صلاحیت محاکم بین‌المللی قرار گیرد، در این صورت جای تروریسم داخلی کجا خواهد بود؟ اگر کشوری توانایی واکنش به تروریسم داخلی را نداشته باشد، «آیا دهشتناک بودن یک اقدام تروریستی داخلی، مرتکب آن را مشمول

۱. supra note 12, at 65-66.

صلاحیت جهانی و محاکمه در صلاحیت یک دادگاه بین‌المللی نخواهد ساخت؟»؛ به عنوان مثال، اقدامات تروریستی ارتكابی به وسیله گروه‌هایی همچون جنبش آزادی طلب باسک در اسپانیا، ارتش جمهوری خواه ایرلند در ایرلند شمالی، بیره‌ای تامیل در سریلانکا و نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا، افراد را به علت ملیت‌شان هدف قرار نمی‌دهند، بلکه بیشتر به دلیل تأثیری است که چنین خشونت دهشتناکی بر روی حکومت دارد. تروریست‌هایی که باعث اغتشاش و بی‌نظمی در درون مرزهای ملی خود می‌شوند، باز هم مرتکب تروریسم محض شده‌اند که به طور جهانی به خاطر ماهیتش و آنچه هست، شناخته می‌شود. آنها غیرنظامیان و اهداف دولتی را به منظور واداشتن حکومت برای عمل کردن طبق اهداف خود، دچار رعب و وحشت می‌کنند (همو، الف، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵).

۶-۱. استرداد تروریست‌ها

مشکل دیگر برای تروریسم که تا جایگاه یک جرم بین‌المللی ارتقا داده می‌شود، عدم همکاری کشورها در استرداد تروریست‌های مسئول است؛ به عنوان مثال، پرونده سزار اورگافا - تبعه کلمبیایی - را در نظر بگیرید که دیوان عالی کلمبیا با استرداد وی به ایالات متحده برای واکنش به اتهامات تروریستی، مخالفت کرد. استدلال دیوان عالی چنین بود که اعمال جنایی آدم‌ربایی و تروریسم در ایالات متحده واقع نشده است، بلکه به رغم امریکایی بودن قربانیان، در کشور کلمبیا رخ داده‌اند. دیوان عالی به شرط اینکه اورگافا فقط به علت قاچاق مواد مخدر محاکمه شود، با استرداد وی به ایالات متحده موافقت کرد و مخصوصاً بیان داشت که امریکا نمی‌تواند وی را به جرم آدم‌ربایی، تروریسم و یا حمایت مالی از سازمان‌های تروریستی بین‌المللی محاکمه کند. چنین حکمی به عنوان نشانه‌ای از چگونگی احساس کشورها، قابل تعبیر شدن است که شاید یک عمل تروریستی به حوزه قضایی مختص به خود و نه به حوزه قضایی کشورهای متقاضی استرداد، تعلق دارد. همچنین، دیوان عالی کلمبیا اظهار داشت که فقدان صلاحیت محلی به سهم ایالات متحده باعث می‌شود کلمبیا دادگاه مناسبی برای

محاکمه این فرد و هر فرد دیگر با اتهامات مشابه باشد؛ چون به نظر دیوان عالی، جرایم آدم‌ربایی و تروریسم در خاک کلمبیا شروع و پایان یافته‌اند و قوانین آدم‌ربایی، تابع اصل صلاحیت محلی‌اند (رک: همو، ۱۳۹۱، ص ۳۲۵-۳۲۷).

۶-۲. جمع‌آوری ادله از سوی محاکم بین‌المللی و محاکمه تروریست‌ها

چالش تهیه مدارک و ادله به منظور احضار افراد متهم به ارتکاب اقدامات تروریستی یا همکاری و معاشرت با تروریست‌ها به یک دادگاه بین‌المللی، یا متهم را تابع صلاحیت قضایی برون‌مرزی کردن نیز نمونه دیگری است. محرمانگی برای کشورهای مدافع از نظر موفقیت در کسب برتری استراتژیک علیه تروریست‌ها، از اهمیت اساسی برخوردار است؛ پس می‌توان از ارائه برخی اطلاعات به نفع امنیت ملی خودداری ورزید. افشای چنین اطلاعاتی به غرض‌ورزی با منافع یک ملت از نظر امنیت ملی تعبیرشدنی است؛ ولی این اطلاعات می‌توانند برای تشخیص مسئولیت فردی فاعل بسیار مهم باشند. زمانی که ادله و مدارک افشا شوند، به امنیت داخلی لطمه وارد می‌شود (Head, 2004, p.57).

در سال ۱۹۹۸م، دیوان عالی فرانسه مختومه‌خواندن یک پرونده از سوی دادگاه تجدیدنظر را لغو کرد. این پرونده علیه یک تبعه خارجی ساکن فرانسه تشکیل شده بود.^۱ مدعی علیه که یک کشیش رواندایی بود، به مشارکت در جرایم ضدبشری و نسل‌کشی متهم شده بود. حکم دادگاه تجدیدنظر بر این مبنا که دادگاه‌های فرانسه فاقد صلاحیت جهانی بر اعمال نسل‌کشی ارتكابی در خارج از فرانسه به وسیله یک تبعه خارجی می‌باشد، با توجه به این دلایل لغو شد که اعمال ارتكابی می‌توانند واجد شرایط جرم باشند و به موجب ماده ۶۸۹-۲ آیین دادرسی کیفری فرانسه، صلاحیت جهانی را ایجاد کنند.^۲

۱. Munyeshyaka Case, Cour de cassation, Chambre criminelle [Criminal Chamber, Court of Cassation], No. 96-82491, Jan. 6, 1998, available at <http://www.legifrance.gouv.fr/affichJuriJudi.do?idTexte=JURITEXT000007069907&dateTexte>.

۲. See: Rule of Law in Armed Conflicts Project RULAC, The Munyeshyaka Case–Rwanda, http://www.adh-geneva.ch/RULAC/national_judicial_decisions.php?id_state=67 (last visited Feb. 25, 2009).

۷. اجرای متناسب و صحیح قانون؛ ابزاری مؤثر در تعقیب تروریسم

کشتار، مثله کردن و یا تحقیر افراد غیرنظامی و یا نابودکردن یا صدمه زدن به اهداف غیرنظامی به عنوان یک راهبرد در جنگ یا صلح برای نیل به اهداف خاصی که انگیزه‌ای سیاسی، ایدئولوژیکی یا مذهبی دارند، یک جرم شنیع است و هرگز نباید بدون مجازات بماند؛ حال ارتباطی ندارد که یک نفر در هر شرایط خاصی با ایدئولوژی‌ها یا آرمان‌هایی که مرتکبان جرم را به سوی استیصال و یأس بی‌پایان سوق داده‌اند، چگونه همدلی می‌کند. با وجود این، تجربه گواه این واقعیت است که عدالت‌گستری تلافی‌جویانه در بهترین شرایط، چیزی نیست، مگر یک حامی ضعیف در نبرد با تروریسم. حتی مصمم‌ترین تلاش‌ها برای پیشگیری و سرکوب تروریسم از راه اجرای قانون یا مداخله مسلحانه محکوم به شکست هستند. محکومیت و مجازات مرتکبان خشونت ترور (رعب و وحشت) باعث درماندگی و انزجار اذهان قربانیان و در میان کسانی می‌شود که امیال و آرزوهای مشترکی دارند که به اعمال جنایی منجر می‌گردند. این انزجار به نوبه خود نوعی یأس و حرمان را خلق می‌کند که خاک حاصلخیزی برای بازتولید اعمال خشونت‌بار تروریسم فراهم می‌سازد (نماینان و طیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هر فرصتی کشورها را به یافتن راه حل‌های عادلانه و صلح‌جویانه برای توجه به علل زیربنایی اعمال خشونت‌بار ترور^۱ یا به طور اختصاصی تر، به کمک در ریشه‌کنی تدریجی علل زیربنایی تروریسم بین‌المللی و توجه ویژه به تمام موقعیت‌ها از جمله استعمار و نژادپرستی و موقعیت‌های متضمن تخلف فاحش و بی‌شرمانه از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از یک سو و موقعیت‌های متضمن سلطه‌گری و اشغال بیگانه از سوی دیگر، دعوت کرده است که می‌توانند به تروریسم بین‌المللی ختم شوند و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازند.^۲

۱. G.A. Res. 3034 (XXVII), supra note 34, 3.

۲. G.A. Res. 42/159, supra note 39, 8; G.A. Res. 44/29, supra note 39, 6; G.A. Res. 46/51, supra note 39, 6.

راهبرد ضدتروریسم سازمان ملل متحد از این جهت شایسته توجه است که یافتن علل و ریشه‌های ارتکاب ترور را شرط ضروری «صلح» و «آرامش پایدار» قلمداد می‌کند؛ زیرا اکثر اوقات، یک تروریست نوعی ذهن خود را با یک آرمان سیاسی یا فراخوان مذهبی که به کمک ابزار حقوقی یا نظامی نتواند به آن دست یابد، مشغول نمی‌کند، بلکه اعتقادات اوست که وی را به انجام اقدامی عملی از روی استیصال و نومیدی سوق داده است (ر.ک: نمایان، ب، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶-۱۷۸).

اعلامیه مجمع عمومی نیز مطابق با منشور ملل متحد است که طرفین هرگونه مناقشه را در وهله اول به چاره‌جویی از راه مذاکره، تفحص، وساطت، مصالحه، حکمیت، حل و فصل قضایی، توسل به سازمان‌های منطقه‌ای یا توافقنامه‌های منطقه‌ای و یا دیگر روش‌های صلح‌جویانه انتخابی خودشان دعوت می‌کند.^۱

۸. تعقیب جنایات‌های ارتكابی گروه داعش در محاکم کیفری بین‌المللی: مطالعه موردی

جنایات گروه داعش بر کسی پوشیده نیست؛ جنایاتی که در سوریه و عراق رقم خورده است و مورد تأیید کشورهای داعیه‌دار حقوق بشر نیز قرار دارد؛ بنابراین اقدامات تروریستی داعش باعث شده است تا ضمن احساس مخاطرات جهانی، ائتلافی در بیش از چهل کشور جهان برای برخورد با گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه به وجود آید و با توجه به پیوستن تروریست‌های خارجی به داعش و النصره، از راه سربازگیری و حمایت مستقیم مالی از آنان، ضمن تحریم شش نفر از اتباع عربستان، کویت، الجزایر و عراق، تدابیر مهم اجرایی همچون انسدادهای مالی، منع سفر و تحریم تسلیحاتی برای افراد گروه‌های داعش، جبهه النصره و نهادهای وابسته به القاعده و نیز حامیان مالی و کلیدی آنان پیش‌بینی و در این قطعنامه ذکر شود تا اقدامات مذکور به فوریت اجرایی شوند (بوجاری، ۱۳۹۳، ص ۸).

نخستین جنبه قابل بررسی از منظر حقوق، مبارزه با تروریسم است که در این باره

۱. U.N. Charter art. 33.

اولین موضوع اثبات تروریستی بودن گروه داعش براساس معیارهای بین‌المللی است. از این رو، دو معیار برای شناسایی یک گروه به عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد؛ معیار اول، اینکه یک گروه اگر بر خلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد و معیار دوم، فعالیت‌های گروه است که داعش بر مبنای هر دو معیار، تروریستی محسوب می‌شود و بر همین اساس لازم است دولت عراق و دیگر دولت‌ها از راه شورای امنیت ملل متحد بکوشند تا گروه داعش ضمن درج در لیست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال گردد. به علاوه، بر پایه اسناد، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ضدتروریسم دولت‌ها متعهدند تا از هرگونه حمایت از تروریست‌ها خودداری کنند و برای مبارزه با تروریسم، با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی همکاری کنند (عبداللهی، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

با وجود این، شورای امنیت ملل متحد از همه دولت‌ها درخواست کرده است که مطابق قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱م)، در مقابله با سازمان‌دهندگان و تأمین‌کنندگان اقدامات تروریستی، ضمن همکاری با این نهاد بین‌المللی، تدابیر ملی را به منظور پیشگیری از سرازیر شدن تروریست‌های خارجی به عراق و سوریه به کار گیرند. علاوه بر این، از هرگونه تأمین مالی برای اقدامات تروریستی پیشگیری کرده و مانع از فراهم شدن حمایت‌های مالی از گروه‌های تروریستی مذکور شوند. همچنین، شورای امنیت از دیگر دولت‌ها خواسته است تا هیچ‌گونه دارایی مالی یا منابع اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم در اختیار گروه‌های تروریستی مذکور قرار ندهند و شهروندان خود را نیز از هرگونه کمک یا خدماتی در این باره منع کنند (نماینان و عباسی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۹-۱۵۲).

مطابق مفاد مقرر در قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت، ضمن محکومیت هرگونه مبادله مستقیم یا غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی، بر قرارگرفتن مجرمان در فهرست تحریم‌ها تأکید شده است. همچنین، این قطعنامه ضمن ابراز نگرانی درباره استفاده از وسایل نقلیه از جمله هواپیما، برای انتقال طلا و دیگر اقلام باارزش و منابع اقتصادی برای فروش در بازارهای بین‌المللی در نواحی تحت کنترل داعش، اقدامات خاطیان را باعث مسدودکردن دارایی آنان برشمرده است و اینکه شورای امنیت برای مهار تروریسم و عدم تسری آن به دیگر کشورهای جهان، در چهارچوب حقوقی و اجرایی

قطعنامه ۲۱۷۰ شورای امنیت از محتوای دو قطعنامه ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ که طالبان، القاعده، تکفیری‌ها و النصره را هدف قرار داده است، پیروی کرده، تحریم را به عنوان ابزار مشترکی در هر سه قطعنامه برای کنترل، تضعیف و محدودیت گروه‌های تروریستی به کار گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

قطعنامه ۲۱۷۰ درباره چگونگی بازخواست و محاکمه کشورهای حامی گروه داعش که در شکل‌گیری و تجهیز گروه مذکور دخالت داشته‌اند و در قبال جنایات آنها دارای مسئولیت بین‌المللی‌اند، اعلام داشته است که به دلیل فراملی بودن آثار جنایات گروه تروریستی داعش، به طور قطع کشورهای که در روند شکل‌گیری و حمایت از گروه‌های تروریستی مذکور به هر شکلی دخالت داشته‌اند، به موجب مقررات بین‌المللی در زمره ناقضان معاهدات بین‌المللی حقوق بشردوستانه و حقوق بشر و نیز نسل‌کشی در عراق و سوریه محسوب می‌شوند (Casey & Haber, 2014, p.21). علاوه بر این، گزارش‌های متعدد و مستندی درباره حمایت برخی دولت‌های منطقه از فعالیت‌های این گروه در عراق و سوریه وجود دارد؛ بنابراین در کنار اقدامات فاجعه‌بار داعشی‌ها در قتل‌های بی‌هدف، تخریب اماکن غیرنظامی و ارباب و به قحطی‌کشاندن غیرنظامیان و در نهایت شکنجه و آواره‌سازی غیرنظامیان در عراق و سوریه، مصادیق روشنی از جرایم علیه بشریت و نسل‌کشی‌اند که در این جهت، دولت‌های تشکیل‌دهنده و حامیان تسلیحاتی و مالی این گروه، در کنار عوامل مباشر این جرایم، از نظر حقوق بین‌الملل و مقررات عام‌الشمول بشردوستانه دارای مسئولیت‌اند. مسئولیت دولت‌های مزبور از جهت راه‌اندازی، حمایت، تسلیح و تشویق این گروه بوده‌اند و دولتمردان حاکمیت‌های مذکور نیز علاوه بر مسئولیت کیفری فردی، دولت‌های متبوع خود را موضوع مسئولیت بین‌المللی قرار داده‌اند (دلخوش، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

با این اوصاف، از آنجا که طبق قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال و اقدامات تروریستی گروه‌های مذکور به سبب تأثیرات اقدامات جنایتکارانه این گروه‌های تروریستی، در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی این شورا محکوم شده است؛ بنابراین طبق اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مذکور، به دلیل زمینه‌ساز شدن نقض مقررات بین‌المللی موجبات مسئولیت و تعقیب این گروه از کشورهای حامی گروه‌های تروریستی فراهم بوده و

دولت‌های عراق و سوریه می‌توانند علیه کشورها و حامیان داعش در دادگاه بین‌المللی لاهه اقامه دعوا کنند.^۱

هرچند صدور قطعنامه ۲۱۷۰ به وسیله شورای امنیت باعث شکل‌گیری ائتلاف جهانی علیه گروه تروریستی داعش در صحنه بین‌المللی شده است؛ ولی این امر برای مبارزه با تروریسم و حفظ صلح کافی نیست و تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه سران این گروه تروریستی و حامیان آنان، اقدامی لازم و عملی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در سطح جهان به شمار می‌رود (بوجاری، ۱۳۹۳، ص ۱۰ / رک: نمایان و سهراب‌بیگ، ۱۳۹۱، ص ۸۴-۸۹).

شورای امنیت ملل متحد در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ با صدور قطعنامه ۲۱۹۹ که براساس فصل هفتم منشور ملل متحد و به اتفاق آرای اعضا به تصویب رسید، از دولت‌های عضو ملل متحد خواست برای جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه که از راه تجارت نفت، قاچاق اموال باستانی و مابه‌ازای گروگان‌ها و نیز دریافت کمک‌های مالی فراهم می‌شود، اقدامات مؤثری در پیش گیرند. شورا تأکید کرد که تجارت مستقیم یا غیرمستقیم نفت و پالایش محصولات نفتی و مواد مربوطه، موضوع قطعنامه ۲۱۶۱ (۲۰۱۴م) شورا است که دولت‌ها را ملزم می‌سازد تضمین کنند اتباع و ساکنان‌شان منابع مالی یا اقتصادی را در دسترس داعش یا دیگر گروه‌های تروریستی قرار نمی‌دهند. شورا با محکومیت تخریب میراث فرهنگی در عراق و سوریه، به ویژه به وسیله داعش و جبهه النصره، از دولت‌ها خواست با همکاری اینترپل، یونسکو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی از تجارت غیرقانونی اشیایی که از حیث فرهنگی، علمی و مذهبی ارزشمندند و طی منحصمه مسلحانه از کشور اصلی‌شان خارج شده‌اند، جلوگیری کنند. قطعنامه مقرر می‌دارد که هرگونه پرداخت به گروه‌های تروریستی در قبال آزادی گروگان‌ها، به هر وسیله و به هر کسی غیرقانونی و ممنوع است و از دولت‌ها می‌خواهد در آزادی امن گروگان‌ها بدون دادن امتیازات سیاسی یا مالی همکاری کنند. به علاوه، دولت‌ها باید از دسترسی تروریست‌ها به نهادهای مالی

3. UN 'may include' Isis on Syrian war crimes list", BBC News. 26 July 2014, "UN accuses Islamic State group of war crimes" Al Jazeera 27 August 2014.

بین‌المللی جلوگیری کنند؛ همچنان‌که دولت‌ها متعهدند از دستیابی آنها به سلاح و تجهیزات جلوگیری کنند.

بر پایه این قطعنامه، دولت‌ها باید طی ۱۲۰ روز از تصویب قطعنامه، گزارش اجرای قطعنامه را به کمیته تحریم‌های القاعده ارائه کنند. نماینده روسیه قطعنامه ۲۱۹۹ را گامی مهم در جلوگیری از تأمین مالی گروه‌های تروریستی از راه قاچاق غیرقانونی نفت دانست؛ موضوعی که نه تنها برای دولت‌های سوریه و عراق، بلکه برای منطقه خاورمیانه و فراتر از آن به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود. به علاوه، قطعنامه با وضع ممنوعیت جدیدی در مورد تجارت اموال باستانی قاچاق شده از سوریه، دیگر منبع مالی گروه‌های تروریستی را هدف قرار گرفته است و در کنار آن می‌کوشد از میراث فرهنگی منطقه و جهان حمایت کند. نماینده امریکا افزود که قطعنامه به کارآیی نظام حقوق بین‌الملل در ردگیری و بازگردانی اموال باستانی به کشور مبدأ کمک خواهد کرد. افزون بر این، قطعنامه ۲۱۹۹ تحریم‌های موجود ملل متحد را تقویت می‌کند.

گفتنی است چندی پیش، کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب ملل متحد درباره نقض حقوق بشر در سوریه اعلام کرد که جنایات جنگی و جنایات ضدبشریت از جمله از راه اعدام‌ها و شلاق‌های خودسرانه در سطحی گسترده در سوریه، به وسیله گروه‌های تروریستی رخ داده‌اند. از تفاوت‌های گزارش اخیر کمیسیون با گزارش‌های پیشین آن این است که گزارش اخیر به مسئولیت فرماندهان گروه‌های تروریستی توجه بیشتری کرده است. دیده‌بان حقوق بشر نیز در گزارشی مشابه اعلام کرد که اقدام داعش در ربایش، شکنجه و سوء استفاده از بیش از ۱۵۰ کودک در کوبانی و نیز وادارکردن آنها به دیدن تصاویر خشونت‌آمیز مانند بریدن سر از بدن، مصداق جنایات جنگی است. همچنین، کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و عفو بین‌الملل اعلام کردند که بریدن سر ۲۱ مسیحی مصری غیرنظامی به وسیله داعش در لیبی، جنایت جنگی است. از سوی دیگر، دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری از دسامبر ۲۰۱۴م بررسی مقدماتی درباره جنایات جنگی و جنایات ضدبشریت به وسیله اعضای گروه‌های تروریستی در عراق را آغاز کرده است.

بر این اساس، جرایم ارتكابی از سوی داعش به روشنی در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رُم پیش‌بینی شده است. براساس ماده ۷ این اساسنامه، این گروهک مرتکب جرایم علیه

بشریت و براساس ماده ۸ مرتکب جرایم جنگی شده‌اند (کوشا و نامیان، ۱۳۸۹، ص ۳۱۹-۳۲۱). از این رو، اقدامات تروریستی مطابق قواعدی در چهارچوب تعریف جنایات علیه بشریت، مقرر در ماده ۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. بر این اساس، اقدامات تروریستی که به میزان کافی گسترده و سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، می‌تواند در چهارچوب تعریف جنایات علیه بشریت قرار گیرد. البته این رویکرد با موانع جدی روبه‌رو است؛ از جمله اینکه از ارکان تروریسم، قصد اشاعه رعب، هراس، وحشت یا مرعوب‌ساختن جمعیت و یا وادار ساختن دولت یا سازمان بین‌المللی برای ارتکاب فعل یا ترک فعل است. اگر قرار بود در چهارچوب ماده ۷ با اقدامات تروریستی مقابله شود، هیچ گزارش خاصی از این معیار دریافت نمی‌شد. افزون بر این، ماده مزبور، تروریسم و مبارزات رهایی‌بخش ملی را تفکیک نکرده است (صابر و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲).

به علاوه، با استناد اصول کلی مقرر در مواد ۲۲ به بعد اساسنامه، هرگونه معاونت و مشارکت با این گروهک، جرم محسوب می‌شود. با این تفاسیر، اصل جرمی که داعش در حال ارتکاب آن است و نیز معاونت و شراکت با آنها در زمره جرایم علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکبان این جرم، معاونان و مشارکت‌کنندگان در این جرم نیز قابل تعقیب و پیگیری‌اند (نامیان و منیبی، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

با وجود این، اثبات جرایم ارتكابی به وسیله گروه داعش، موضوع چندان پیچیده‌ای نیست که یک کمیته حقیقت‌یاب درصدد بررسی ابعاد گوناگون موضوع و تحقیقات لازم باشد. اساسنامه رُم به روشنی جرایم ارتكابی را پیش‌بینی کرده است و مؤثرترین راهبرد برای تعقیب کیفری این جرایم مطابق اساسنامه، آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوع را درخواست کند تا با این درخواست، کشورهایی که معاونت و مشارکت کرده‌اند، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند (نامیان، ۱۳۹۰، ص ۶۳-۶۷).

افزون بر این، در چهارچوب حقوق بین‌الملل کیفری، مخاصمات کنونی در عراق و سوریه هریک مخاصمه غیربین‌المللی محسوب می‌شوند و با توجه به اینکه برخی از قواعد مذکور در اسناد حقوق بشر دوستانه جنبه عرفی داشته‌اند، هرگونه تخلف از معیارهای عرفی مربوطه می‌تواند جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت محسوب شود و

مرتکبان و حامیان جنایات اخیر در عراق و سوریه، مسئولیت کیفری می‌یابند. از این رو، می‌توان اقدامات داعش را منطبق با تعریف نسل‌کشی برابر آنچه در ماده یک کنوانسیون نسل‌کشی مقرر شده است، قلمداد کرد و خواهان اقدامات حقوقی مؤثر در سطح جهانی برای پیشگیری از استمرار جرایم داعش شد (عبداللهی، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

نتیجه

آینده مبارزه با تروریسم، در گرو اراده کشورها برای مقاومت در برابر کسانی است که به خشونت و افراطی‌گری به مثابه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف متوسل می‌شوند؛ اما موانع چالش‌زای تشخیص این مسئله که «آیا تروریسم تا سطح جرایمی ارتقا می‌یابد که صلاحیت جهانی را برمی‌انگیزند؟»، دست‌کم در حال حاضر به اندازه‌ای جنجال برانگیز است که در نبود شناخت بیشتر از تروریسم در دادگاه‌های داخلی و بین‌المللی مرتفع نخواهند شد. تابعیت تروریسم از یک دادگاه قضایی بین‌المللی نیز باعث بروز مشکلاتی در تعریف و تفکیک میان جرایم فراملی و جرایم بین‌المللی می‌شود و در دست‌بندی تأثیر تروریسم بر این دو نوع جرم جهت تعیین یک دادگاه مناسب، نیاز به دقت نظر دارد.

اگر اقدامات تروریستی که دارای ماهیت بین‌المللی و برون‌مرزی شناخته شده‌اند، به ضرورت وجود صلاحیت جهانی تعبیر شوند، از این رو، چگونگی مقابله با اعمال تروریستی داخلی که همه نشانه‌های جرایم ضدبشری و دیگر اعمال بسیار منفور مانند واردکردن شوک به وجدان جهانیان را دارند، چگونه خواهد بود؟ به عنوان مثال، اگر *اسامه بن لادن* دستگیر می‌شد، رسیدگی و پاسخگویی وی به اتهام جرایم ارتكابی با چه فرایندی مواجه می‌شد؟

با این حال، مبارزه با همه اشکال و ظواهر تروریسم فقط به همکاری، مساعدت و در نهایت اجماع و اراده جهانی نیاز دارد؛ زیرا تروریسم خود ابزار راهبردی ملاحظات سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت‌ها در نیل به اهداف و مقاصد متجاوزانه است. از این رو، در دستیابی به این مهم، ضرورت دارد ضمن اجماع، توافق نظر و همراهی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در پیشگیری، منع و سرکوب تروریسم،

شرایطی در احیای امنیت و صلح عادلانه بین‌المللی فراهم گردد. افزون بر این، در صورت عدم ملاحظات سیاسی از سوی دولت‌ها، وجود محاکم کیفری بین‌المللی به ویژه دیوان کیفری بین‌المللی توانایی تعقیب مرتکبان اقدامات تروریستی و رسیدگی به آن را دارد.

منابع

۱. ایرانی، محمد؛ «داعش والقاعده»؛ ماهنامه معارف؛ ش ۱۰۳، خرداد و تیر ۱۳۹۳.
۲. بوجاری، مسعود؛ «لزوم محاکمه حامیان داعش در دادگاه‌های بین‌المللی»؛ روزنامه حمایت؛ شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۴.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی؛ «مصونیت رئیس دولت، رئیس حکومت و وزیر امور خارجه در حقوق بین‌الملل»؛ نامه مفید؛ قم: دانشگاه مفید، ش ۶۴، ۱۳۸۶، ص ۱۳۴-۱۴۹.
۴. سیسیلیا، نوس؛ «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی»؛ مجله تحقیقات حقوقی؛ ترجمه سیدعلی هنجنی؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷-۱۵۸.
۵. جعفرپور، جمشید و پیمان نمایان؛ «مصادیق و معیارهای تروریسم در حقوق جنایی اسلامی»؛ فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس؛ تهران: پلیس بین‌الملل ناجا، ش ۱۷، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۷۱-۱۸۵.
۶. حبیب‌زاده، محمدجعفر و سعید حکیمی‌ها؛ «ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران»؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ش ۵۱، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸-۲۴۱.
۷. حسینی، رسول؛ «علل و ریشه‌های افراطی‌گری در خاورمیانه (مطالعه موردی: داعش)»؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه افراطی‌گری و خشونت؛ چ ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۷۹-۱۹۱.
۸. عبداللهی، محسن؛ میزگرد علمی «بررسی جنایات گروه تکفیری داعش در عراق و سوریه از منظر موازین حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی»؛ تهران:

- کمیسیون حقوق بشر اسلامی؛ تهران: کمیسیون حقوق بشر اسلامی، تیر ۱۳۹۳، ص ۱۹-۱.
۹. عسگرخانی، ابومحمد، پیمان کبیری و سهیل کبیری؛ «ابتکار جهانی امریکا و روسیه در پیشگیری از تروریسم هسته‌ای»؛ فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس؛ تهران: پلیس بین‌الملل ناجا، ش ۱۶، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱-۳۲.
۱۰. صابر، محمود و ولی‌الله صادقی؛ «آموزه‌شناسی مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»؛ فصلنامه تعالی حقوق؛ ش ۴، تهران: دادسرای عمومی و انقلاب تهران، ش ۴، ۱۳۹۲، ص ۶۹-۸۵.
۱۱. طالقانی، حسین و پیمان نامامیان؛ «اعمال دفاع پیش‌دستانه در مبارزه با تروریسم: نفی یا اثبات مشروعیت»؛ فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس؛ تهران: پلیس بین‌الملل ناجا، ش ۱۶، ۱۳۹۲، ص ۱۶۵-۱۸۱.
۱۲. دلخوش، علیرضا؛ «حمایت مالی و نظامی دولت‌ها از گروه تروریستی داعش از منظر حقوق بین‌الملل»؛ مندرج در سایت باشگاه خبرنگاران، بخش سیاست خارجی: <http://www.yjc.ir/fa/news/5019425>، ۱۳۹۳/۱۰/۲۲.
۱۳. دونل، دانیل؛ «معاهدات بین‌المللی ضدتروریسم و کاربرد تروریسم در درگیری مسلحانه توسط نیروهای مسلح»؛ مجله حقوقی بین‌المللی؛ ترجمه پیمان نامامیان و سبحان طیبی؛ تهران: مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۸۷-۲۰۱.
۱۴. کوشا، جعفر و پیمان نامامیان، (الف)؛ «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»؛ فصلنامه حقوق؛ تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۸۵-۲۰۳.
۱۵. کوشا، جعفر و پیمان نامامیان؛ (ب)؛ «تروریسم هسته‌ای در حقوق بین‌الملل»؛ دوفصلنامه علوم جنایی؛ تهران: مجله مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران؛ ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۳۲-۲۴۷.
۱۶. کوشا، جعفر و پیمان نامامیان؛ «جرمانگاری تروریسم و مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»؛ در: حق بر صلح عادلانه؛ به کوشش نادر ساعد؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، پاییز ۱۳۸۹، ص ۳۱۱-۳۲۲.

۱۷. گلدوزیان، ایرج و پیمان نمایان؛ «راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم»؛ فصلنامه حقوق؛ تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۶۵-۱۸۹.
۱۸. معظمی، شهلا و پیمان نمایان؛ حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی؛ چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه دادگستر، ۱۳۹۳.
۱۹. می، لاری و زاخاری هاسکینز؛ حقوق بین‌الملل کیفری و فلسفه؛ ترجمه پیمان نمایان و سهیل کبیری؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۳.
۲۰. میرمحمدی، سیدمصطفی؛ «سوء استفاده از مصونیت‌های دیپلماتیک و ضمانت اجرای آن در حقوق بین‌الملل»؛ نامه مفید؛ قم: دانشگاه مفید، ش ۳۳، ۱۳۸۱، ص ۵۸-۷۵.
۲۱. نژندی‌منش، هیبت‌اله؛ «ضرورت واکنش‌های جهانی‌شده حقوق بین‌الملل کیفری به جنایات بین‌المللی»؛ در: جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی)؛ به‌تمام سیدقاسم زمانی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش، ۱۳۹۲.
۲۲. نظری، علی‌اشرف؛ «ترومای خشونت و افراط‌گرایی سیاسی: ضرورت بازشناسی انتقادی»؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه افراطی‌گری و خشونت؛ چ ۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۳، ص ۴۸-۶۱.
۲۳. نمایان، پیمان؛ «مفهوم تجاوز در معاهدات و قطعنامه‌های بین‌المللی»؛ مجله دادرسی؛ تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح، ش ۶۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۹-۳۷.
۲۴. نمایان، پیمان؛ (الف)؛ «بررسی دلایل جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی»؛ فصلنامه حقوق و مصلحت (مجله کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام)؛ تهران: کمیسیون حقوقی قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۴، ص ۱۶۶-۱۸۹.

۲۵. نامیان، پیمان؛ (ب)؛ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم هسته‌ای؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات بین‌المللی مبارزه با تروریسم دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۶. نامیان، پیمان؛ «چهارچوب جهانی نظام حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم هسته‌ای»؛ فصلنامه سیاست خارجی؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ش ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۹۸۸-۱۰۰۲.
۲۷. نامیان، پیمان؛ (الف)؛ «صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۵۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۶۶-۱۴۹.
۲۸. نامیان، پیمان؛ (ب)؛ واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم؛ چ ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان به سفارش انجمن ایرانی حقوق جزا، ۱۳۹۰.
۲۹. نامیان، پیمان؛ حقوق بین‌الملل کیفری: چالش‌ها، هنجارها و راهبردهای مبارزه با تروریسم؛ چ ۱، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۱.
۳۰. نامیان، پیمان و حمیدرضا منیبی؛ «دادگاه کیفری بین‌المللی و قابل اجرا بودن دادرسی بین‌المللی در حقوق اسلامی»؛ مجله دادرسی؛ تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح، ش ۶۷، بهار ۱۳۸۷، ص ۲۳-۲۹.
۳۱. نامیان، پیمان و محمد سهراب‌بیگ؛ «مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن؛ ش ۶، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن ریاست جمهوری، ش ۶، بهار ۱۳۹۱، ص ۲۲۳-۲۴۵.
۳۲. نامیان، پیمان و صمد عباسی؛ «تأملی در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت: تغییر ماهیت در تعهدات و الزامات حقوقی مبارزه با تروریسم»؛ فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس؛ تهران: پلیس بین‌الملل ناجا، ش ۹، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۲۵-۱۴۵.
۳۳. نامیان، پیمان و سبحان طیبی؛ راهبردهای حقوقی نظام بین‌المللی در حمایت از بزه‌دیدگان تروریسم (اولین کنگره ملی ۱۷۰۰۰ شهید ترور)؛ چ ۱، تهران: انتشارات بنیاد هایلیان، ۱۳۹۲.

34. Andreas Zimmermann, Introduction: Crimes not included in the Statute of the ICC, in COMMENTARY ON THE ROME STATUTE OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT 1998, pp. 98–99.
35. Audrey Golden, Comment, Monkey Read, Monkey Do: Why the First Amendment Should Not Protect the Printed Speech of an International Genocide Inciter, 43 WAKE FOREST L. REV. 1149, 2008, 1159– 60.
36. Austen L. Parrish, Reclaiming International Law from Extraterritoriality, 93 MINN. L. REV. 815, 2009, pp. 866–67.
37. Bassiouni, MC, 'A Policy Oriented Inquiry into the Different Forms and Manifestations of International Terrorism', in MC Bassiouni (ed), Legal Responses to International Terrorism: US Procedural Aspects, Martinus Nijhoff, Dordrecht, 1998, pp. 587-69
38. Bassiouni, MC, Crimes against Humanity in International Criminal Law (Martinus Nijhoff, Dordrecht.
39. Ben Saul, Three Reasons for Defining and Criminalizing Terrorism, EUR. SOC'Y OF INT'L L., at 2, 10, available at http://www.esil-sedi.eu/fichiers/en/Saul_625.pdf (last visited Mar.4,2009), 1992, pp. 56-71.
40. Bruce Zagaris, French Prosecutors Dismiss Torture Case Against Rumsfeld, 24 INT'L ENFORCEMENT L. REP. 84, 2008, pp. 102-124.
41. Casey, Mary & Haber, Joshua, "Rebel factions continue fight against ISIL in Northern Syria", Foreign Policy, Retrieved 7 January 2014, pp. 45-60.

42. Contra BRUCE BROOMHALL, INTERNATIONAL JUSTICE AND THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT: BETWEEN SOVEREIGNTY AND THE RULE OF LAW 39-40, 2003, pp. 357-369.
43. Contra William A. Schabas, The International Criminal Court: The Secret of Its Success, 12 CRIM. L.F. 415, 426-27 (2001) (stating that terrorism is not within the jurisdiction of the ICC as a crime against humanity), reprinted in WILLIAM A. SCHABAS, WAR CRIMES AND HUMAN RIGHTS 333, 2008, pp. 345-47.
44. Gregory S. Gordon, From Incitement to Indictment? Prosecuting Iran's President for Advocating Israel's Destruction and Piecing Together Incitement Law's Emerging Analytical Framework, 98 J. CRIM. L. & CRIMINOLOGY 853, 2008, pp. 882-84.
45. Laurence R. Helfer & Anne-Marie Slaughter, Why States Create International Tribunals: A Response to Professors Posner and Yoo, 93 CAL. L. REV. 901, 2005, pp 78-90.
46. Lauterpacht, H"ed", Oppenheim's International Law: Vol I Peace, 8th ed, Longmans, Green & Co, London, 1955, pp 431-456.
47. M. Cherif Bassiouni, International Crimes: Jus Cogens and Obligatio Erga Omnes, 59 LAW & CONTEMP. PROBS, 1996, pp. 63-68.
48. Mike Head, Secret Evidence Used in Australian "Terrorist" Trial, WORLD SOCIALIST WEB SITE, Dec. 20, 2004, <http://www.wsws.org/articles/2004/dec2004/terr-d20.shtml>.
49. Naomi Norberg, Terrorism and International Criminal Justice:

- Dim Prospects for a Future Together, 8 SANTA CLARA J. INT'L L. 11, 2010, pp. 68-79.
50. Otto Triffterer, Security Interests of the Community of States, Basis and Justification of an International Criminal Jurisdiction versus 'Protection of National Security Information,' Article 72 Rome Statute, in NATIONAL SECURITY AND INTERNATIONAL CRIMINAL JUSTICE 53, 63 (Herwig Roggemann & Petar Šarčević, eds., 2002, pp. 84-99.
51. Roy S. Lee, An Assessment of the ICC Statute, 25 FORDHAM INT'L L.J. 750, 2002, pp. 756-757.
52. Vincent-Joël Proulx, Rethinking the Jurisdiction of the International Criminal Court in the Post September 11th Era: Should Acts of Terrorism Qualify as Crimes Against Humanity, 19 AM. U. INT'L L. REV, 2004, pp. 1009-1010.